



Comparing the views of Ayatollah Mesbah Yazdi and Ayatollah Taleghani on the Islamic Revolution of Iran

Seyyed Mehdi Hoseini ^{1*}

Abbas Keshavarz Shokri ²

Akram Khalife ³

Received on: 11/09/2022

Accepted on: 20/01/2023

Abstract

In this article, a comparative table was created by studying the written works of Ayatollah Taleghani and Ayatollah Masbah-Yazdi. Common and distinctive points were identified using the qualitative method of theme analysis to address the views of Ayatollah Taleghani and Ayatollah Mesbah-Yazdi on the revolution and the Islamic revolution of Iran, as well as their points of divergence and convergence. First, to collect the text under review, a phishing tool was utilized to gather information from sources, texts, and documents. During the document analysis, it was scrutinized by referencing valid theories and articles related to "revolution and themes emphasized by experts" and "theoretical interest." Tables were compiled and included in the comparison column; then, following the process of "theme analysis," the necessary themes were extracted from the texts, organized, and categorized into the corresponding columns of the comparative table. Finally, to compare viewpoints, differences, and commonalities, these were extracted and inserted into the relevant column. From the overall findings, we can identify the theoretical commonalities arising from Islamic ontology and epistemology. In distinguishing the late Taleghani's perspective, we can highlight the singular-agent, negative, political approach, and the explanation of the revolution through the dynamics between the oppressor and the oppressed. Additionally, the significance of the masses and the council in governance is emphasized. In the late Mesbah Yazdi's perspective, he emphasized a positive, cultural, multi-factorial approach. He highlighted the significance of elites, agents, and social institutions in governance, as well as the central role of Islam in the concept of religious democracy. Moreover, he underscored the importance of the leader and the people in shaping the revolution and the government.

Keywords: revolution, Islamic Revolution, Ayatollah Taleghani, Ayatollah Mesbah Yazdi.

1*. Ph.D student of Islamic Revolution Political Studies, Shahid University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author: s.hoseini.mehdii@gmail.com)

2. Professor of Political Science, Shahid University, Tehran, Iran. (Email: keshavarz@shahed.ac.ir).

3. Ph.D student of Political Studies of the Islamic Revolution, Shahid University, Tehran, Iran.

(Email: a.khalife@ut.ac.ir)



مقایسه دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی و آیت‌الله طالقانی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران

سید مهدی حسینی^{*۱}
دکتر عباس کشاورز شکری^۲
اکرم خلیفه^۳
چکیده

در این مقاله با مطالعه آثار مکتوب آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح‌یزدی و تشکیل جدول مقایسه‌ای و اخذ نقاط مشترک و متمایز با استفاده از روش کیفی تحلیل تم به منظور پاسخ به این سوال که «نظرگاه‌های آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح‌یزدی در خصوص انقلاب و انقلاب اسلامی ایران چیست و نقاط افتراق و اشتراک آن کدام است؟» اقدام به مقایسه نوآورانه روشی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران صدرالاشاره شد. ابتدا با هدف گردآوری متن مورد بررسی از ابزار فیش برداری از منابع، متون و اسناد بهره‌جسته و در سطح تحلیل اسنادی با مراجعه به نظریه‌ها و مقالات معتبر در خصوص «انقلاب و مضامین مورد تاکید صاحب‌نظران» مورد بررسی قرار گرفت و «بهره‌نظری» جداول تدوین و در ستون (مبدا مقایسه) مندرج گردید؛ و سپس وفق فرایند روش «تحلیل مضمون»، مضامین مورد نیاز از متون گردآوری شده، اخذ و دسته‌بندی و در ستون‌های مربوطه در «جدول مقایسه‌ای» گنجانیده شد و در نهایت به منظور مقایسه جزء به جزء دیدگاه‌ها، نقاط افتراق و اشتراک استخراج و در ستون مربوطه درج گردید. از مجموع یافته‌ها، می‌توان به اشتراکات نظری منتج از هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی اشاره و در تمایزات دیدگاه مرحوم طالقانی می‌توان به رویکرد تک‌عامله، سلبی، سیاسی و تبیین انقلاب با گزاره رابطه استبدادگر و استبدادشونده و برجستگی نقش توده‌ها و شورا در حکومت اشاره کرد و در تمایزات دیدگاه مرحوم مصباح‌یزدی نیز به رویکرد ایجابی، فرهنگی، چندعامله و تاکید بر موثریت نخبگان، کارگزاران و نهادهای اجتماعی در حکومت و برجستگی نقش اسلامیت در مفهوم مردم‌سالاری دینی و اهمیت نقش رهبر و مردم در شکل‌گیری انقلاب و حکومت اشاره کرد.

واژگان کلیدی: انقلاب، انقلاب اسلامی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مصباح‌یزدی.

(صفحه ۱۴۳-۱۸۰)

*۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: s.hoseini.mehdii@gmail.com)

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (keshavarz@shahed.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (a.khalife@ut.ac.ir)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلابات جهان است که ضمن تحول‌آفرینی در داخل کشور و محیط امنیت منطقه‌ای فلات ایران، تاثیرات فراوانی در نگرش سیاسی و فرهنگی جهانیان نهاده است و به همین دلیل افراد و شخصیت‌های مختلف با فرایندهای (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی) متفاوت و مختلف به مقوله انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند؛ از جمله بزرگانی که در خصوص ابعاد، گستره و کارکرد انقلاب اسلامی اظهار نظر کرده‌اند، آیات عظام، سید محمود طالقانی و محمد تقی مصباح‌یزدی رضوان‌الله علیهما بوده‌اند؛ که به رغم دارا بودن هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی یکسان، دارای نظریات نزدیک و البته گاه متمایزی از هم نیز بوده‌اند که در طی فرایند مضمون‌یابی در جدول معینی مورد واکاوی و مقایسه قرار گرفته‌اند. نویسندگان مقاله با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل مقایسه‌ای و بهره‌گیری از ساختار متعارف تقسیم‌بندی دانش مطالعات انقلاب به مقایسه دیدگاه این اندیشمندان مسلمان ایرانی پرداخته‌اند و ذیل جدولی به منظر مخاطبین و خوانندگان محترم تقدیم نموده‌اند.

آنچه که این تحقیق را علاوه بر صعوبت و ناگزیری اخذ نظریات از متن و گاهی سیاق و بافتار - به دلیل عدم حضور مولفین - مشکل‌تر می‌کند، مساله زمانه‌مندی مقولاتی است که آن صاحب‌نظران در زمانه‌های گاهی حدود سی تا چهل سال فاصله در زمینه موضوع معین انقلاب، ابراز داشته‌اند. اساساً اظهار نظرهای شفاهی، تربیونی و خطابه‌ای بیشتر مفید اقتناع مخاطب است تا ابراز نظر فنی تلقی شود. البته مکتوباتی نظیر مقاله و یا کتاب و نظایر آن را می‌توان تا نسخ نشدن و عدول از دیدگاه سابق مولف، نظر کارشناسی تلقی کرد، لذا دقت‌های ویجینی و واپچینی سخنان این بزرگان چنان مهم است که گاه ممکن است استنباطات و مضمون‌یابی‌های به‌عمل آمده را دچار خطای فاحش نماید.

به هر تقدیر به دلایل ماهیت اشتغال به نویسندگی و مکتوب سازی نظرات آیت‌الله مصباح تا حدودی می‌توان اتکاء بر مفهوم مضمون قریب به اراده مولف را اظهار کرد و ایضاً در مکتوبات مرحوم آیت‌الله طالقانی نیز چنین است، ولی در خصوص مطالبی که شفاهی و افواهی می‌باشد استلزام دقت زایدالوصف و زمان طولانی را می‌طلبد که نویسندگان مقاله از آن محروم بوده‌اند.

الف - مرور پیشینه تحقیق

در رابطه با انقلاب اسلامی و بررسی جنبه‌های گوناگون آن، تاکنون پژوهش‌های بسیاری صورت

گرفته است؛ اما درباره دیدگاه اندیشمندان در رابطه با ماهیت، علل، نتایج، اهداف و ... انقلاب، پژوهش معینی که به روش مقایسه‌ای، دیدگاه اندیشمندان مختلف را بررسی نماید صورت نگرفته است. با این وصف به برخی از مقالات که در خصوص کلیدواژه‌های مرتبط در عنوان مقاله قلمی شده است، اشاره می‌شود.

علیرضا حسین زاده دیلمی و حسین مهربانی فر (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای عقلانیت انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل شهید بهشتی و آیت‌الله مصباح» به چگونگی بازتاب عقلانیت انقلاب اسلامی در نظام معرفتی و منطقی عملی شهید بهشتی و آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان دو نظریه پرداز شاخص انقلاب اسلامی پرداخته و ضمن بررسی مواضع هر دو متفکر با استفاده از روش اسنادی، تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای به مقایسه نحوه تبلور عقلانیت انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل دو اندیشمند پرداخته و در نهایت به دو رویکرد عقلانی با دو محوریت دست یافته است. بر این اساس تفاوت این پژوهش با پژوهش حاضر از دو جهت می‌باشد: یکی آنکه به مقایسه دیدگاه آیت‌الله مصباح با اندیشمندی غیر از آیت‌الله طالقانی پرداخته و دوم آنکه صرفاً به مقایسه جنبه خاصی از نگاه این اندیشمندان به انقلاب اسلامی پرداخته است و کلیت رویکرد آنان نسبت به ماهیت انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار نداده است.

علیرضا ملایی توانی و حر میرزایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه مواضع سیاسی کریم سنجابی و شاپور بختیار در مواجهه با انقلاب اسلامی» سعی در تبیین این مسئله دارد که چرا علی‌رغم یکسانی نظر و رویکرد سنجابی و بختیار، شاهد تفاوت رفتار و عمل آنان در قبال انقلاب اسلامی هستیم. همانطور که مشخص است این پژوهش از طرفی مواضع افرادی غیر از اندیشمندان مدنظر این تحقیق را مورد توجه قرار داده و از طرفی در وجهی مهمتر، صرفاً به تبیین علل تفاوت عمل و رفتار سنجابی و بختیار در قبال انقلاب اسلامی پرداخته و دیدگاه و اندیشه آنان را نسبت به کلیت و ماهیت انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نداده است.

حمید پارسانیا، قاسم زائری و زینب اعلمی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای مواجهه امام خمینی «ره» و علمای سنتی با سنت (در دوره منتهی به وقوع انقلاب اسلامی)» به روش تحلیل متن و تحلیل اسنادی، به بررسی تفاوت رویکرد، تفکر و عمل امام خمینی «ره» در قبال سنت با دیگر علمای سنتی پرداخته‌اند. در تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر، ضمن تفاوت اندیشمندان مورد مقایسه دو مقاله با یکدیگر باید گفت؛ این مقاله در باب خود انقلاب اسلامی نبوده و انقلاب اسلامی صرفاً بیشتر

مقطعی تاریخی به عنوان زمانه و زمینه‌ای برای شکل‌گیری اندیشه‌های گوناگون راجع به سنت در نظر گرفته شده است. درحالی‌که در مقاله حاضر، همان‌طور که در جای‌جای آن بیان گردیده است هدف آن بررسی عنوان «انقلاب اسلامی» بماهو انقلاب اسلامی مدنظر می‌باشد.

محسن اکبری و ناصر جعفرپور (۱۳۹۶) در مقاله «مقایسه دیدگاه جوادی آملی و مصباح یزدی در باب قاعده الواحد» با استفاده از روش مقایسه، به بررسی نقاط اشتراک و اختلاف این دو اندیشمند درباره قاعده فلسفی الواحد پرداخته‌اند.

لیلی خیدانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین و مقایسه دیدگاه لایب نیتس و علامه طباطبایی درباره اختیار» به بحث جبر و اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی و لایب نیتس و نحوه اختیار انسان و عدم منافات آن با اراده الهی پرداخته و در واقع به مانند پژوهش حاضر، به بررسی و مقایسه دیدگاه دو اندیشمند در موضوعی خاص پرداخته است.

سیده راضیه یوسف زاده و عبدالله نصری (۱۳۹۹) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی و مقایسه دیدگاه استاد مطهری و یاسپرس پیرامون ایمان»، ابتدا با روش توصیفی و اسنادی به گردآوری و تحلیل دیدگاه هر دو اندیشمند در باب ایمان پرداخته و سپس با مطالعه تطبیقی آراء آنان در محورهای خاص، نقاط اشتراک و افتراق آنان را بیان نموده‌اند. به نظر می‌رسد، فارغ از افراد و موضوع، در باب روش انجام پژوهش بسیار شبیه به روش پژوهش حاضر می‌باشد. چرا که در تحقیق حاضر نیز ابتدا با روش اسنادی دیدگاه هر یک از اندیشمندان - طالقانی و مصباح - بیان گردیده و سپس به مقایسه و بیان نقاط اشتراک و اختلاف آنان در باب انقلاب اسلامی در محورهای گوناگون پرداخته شده است.

نیکزاد عیسی زاده، فریدون آزاده، جواد قاضی میرسعید و رفعت خیابانی در مقاله «مقایسه دیدگاه مفسران منتخب شیعه و اهل سنت درباره آیات سلامت قرآن کریم» به بررسی آراء مفسرین شیعه و اهل سنت در شش کتاب تفسیر معتبر شیعه و سنی در رابطه با سلامت جسمی و مفاهیم زیربنایی بهداشت و سلامت در قرآن کریم پرداخته است که از جهت روشی حائز اهمیت می‌باشد.

در بررسی صورت گرفته از سوی نویسندگان، مقالاتی که از عنوانی هم‌سان با عنوان این پژوهش برخوردار بوده و یا به‌طور مستقیم در ارتباط با این مقاله باشند مشاهده نگردید. از این‌رو درخصوص موضوع این مقاله، خلاء تحقیقاتی محسوسی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان ادعا نمود که تاکنون درباره مقایسه دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله طالقانی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران، مقاله‌ای

به‌زیور طبع آراسته نشده است و مقاله حاضر هم در موضوع و هم در انتخاب اندیشمندان مورد مقایسه، بدیع و نوآورانه می‌باشد.

ب- روش‌شناسی تحقیق

به منظور حصول مدلی که گویای چستی رابطه تبیینی و مقایسه‌ای و تا حدودی علیّی موضع صاحب‌نظران مورد مقایسه (حضرات آیات طالقانی و مصباح‌یزدی) در خصوص ابعاد تعریفی، عوامل پیشینی وقوع و آثار پسینی انقلاب (اسلامی) باشد؛ نویسندگان این مقاله با فرایند گام به گام و جامعی به مقام پاسخ به سوالات تحقیق نشستند. چون در این پژوهش محققین درصدد سازماندهی مضامین مکنون و کشف روابط اعم و اخصی فیما بین مضامین حاصله از طریق سطح بندی سطوح انتزاع مفاهیم مستخرج از متن بوده و قصد تعلیل و یافتن تقدم و تأخر مضامین مزبور را ندارد، لذا به دنبال ارائه مدلی تجویزی نیست بلکه به دنبال مدل توصیفی است. این مقاله، از میان روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته است و با ایجاد «بهره نظری» مناسب، اقدام به تحقیق و تدوین ساختار مقاله نموده است.

در ابتدا محققین زمانی را صرف مطالعه آثار صاحب‌نظران صدرالاشاره و برخی از آثار در خصوص نظرگاه‌های‌شان نموده و سوالات تحقیق را به متون مورد بررسی عرضه نمودند. به این منظور، از ده‌ها کتاب، متن و منابع و اسناد مطالعه به عمل آمد. نهایتاً به صورت روشمند و منظم با عرضه سوالات ذیل به محضر متون و دیدگاه‌های دو دانشمند اسلامی، پاسخ‌ها در جدول مقایسه‌ای دوگانه اخذ، دسته‌بندی و ارائه گردید:

- تعریف، ماهیت، هدف، نتیجه، پیامد، فرایند و آسیب‌های انقلاب و انقلاب اسلامی کدام است؟
- علل و عوامل موجدۀ نهادی (شبه ساختاری)؛ کارگزاری و مشروعیت‌ساز انقلاب کدامند؟
- جایگاه و نقش رهبر، مکتب (ایدئولوژی) و مردم در فرایند تحولات و انقلاب چیست؟ و ایضاً جایگاه خواص، فرهنگ‌نخبگان و عامۀ مردم در وقوع انقلاب (اسلامی) کدام است؟
- ویژگی‌های متمایز انقلاب اسلامی نسبت به حاکمیت سابق و دیگر انقلاب‌های جهان کدام است؟

در انجام این تحقیق به ملاحظه پیامد اتخاذ روش تحلیل مضمون و با انگیزه دقت در انتقال

ادبیات و مفاهیم دو دانشمند صدرالاشاره، ضمن وفاداری به روش پژوهش سعی گردید در ارائه نتایج، گزارش خلاف متن و ادبیات شخصیت‌های مورد مقایسه، عرضه نگردد؛ بنابراین در جدول مربوطه از عناوین و کلیدواژه‌های بسیار نزدیک به متن مورد مقایسه و ادبیات مطالعات انقلاب بهره گرفته شد.

ج- تحلیل و تبیین داده‌های تحقیق

۱- انقلاب از دیدگاه آیت‌الله طالقانی

تبیین انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله طالقانی بنا به دلایل و عوامل زیر کاری دشوار است؛ اول؛ ایشان هیچگاه به طور مشخص و دقیق به نگرارش اندیشه سیاسی خود از حیث نظری نپرداخته است. جز مطالبی که در کتاب پرتوی از قرآن و یا مقدمه‌ای که بر تنبیه‌الامه نائینی نوشته است، باقی نظرات سیاسی ایشان را عمدتاً از طریق مصاحبه‌ها، سخنرانیها، رفتار سیاسی و ... می‌توان دریافت.

دوم؛ اغلب اندیشه‌های ایشان معطوف به عالم واقع و معضلات اجتماعی بوده و بدون داشتن اطلاع از وقایع و حوادث تاریخی، درک سیر نظری ایشان کمی دشوار است. به عبارتی در مطالعه طالقانی باید زمانه و زمینه را از نظر دور نداشت چرا که به واقع فرزند زمانه خویش بود و مبتنی بر زمینه مورد نیاز ایجاد خطابه می‌کردند.

سوم؛ نظریه و اندیشه سیاسی ایشان همواره معطوف به عمل و همراه با عمل سیاسی بوده و این دو در تاثیر و تاتر یکدیگر بوده اند.

به زعم نگارندگان؛ نظرات ایشان در رابطه با انقلاب اسلامی را به چند صورت می‌توان بیان کرد؛ تقسیم‌بندی بر اساس اندیشه سیاسی و عمل سیاسی. بیان دیدگاه‌های ایشان بر اساس کلمات کلیدی و هسته مرکزی اندیشه‌شان. از جمله؛ استبداد، آزادی، شورا، مردم، قرآن‌گرایی، قسط و ...

تقسیم‌بندی زمانی بر اساس سیر نظرات در پیش، حین و پس از انقلاب اسلامی.

آنچه در ادامه خواهد آمد عمدتاً مبتنی بر تقسیم‌بندی سوم می‌باشد.

۱-۱- سیر تکاملی اندیشه آیت‌الله طالقانی

۱-۱-۱- پیش از انقلاب اسلامی

آنچه می‌توان به طور کلی از مجموع رفتارها و بیانات آیت‌الله طالقانی برداشت کرد این است که مسئله اصلی ایشان در پیش از انقلاب اسلامی، مسئله «استبداد سیاسی و سلب آزادی» است؛ که به نظر می‌رسد این مهم بنا به دلایلی نظیر سابقه طولانی حکومت پادشاهی مستبد و آزادی خواهی در ایران (ملایی توانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴)، انقلاب مشروطه و مشروطه خواهی علمایی چون علامه نائینی (شرح و بسط تنبیه الامه توسط طالقانی)، واقعیت‌های سیاسی دوره پهلوی و تجربه مبارزاتی که برای آیت‌الله طالقانی پیش آمده است، می‌باشد.

راه حلی که مرحوم طالقانی در پاسخ به مسئله استبداد سیاسی می‌دهد همان پاسخ علامه نائینی یعنی سلطنت مقید و مشروط و محدود است. چنانچه ایشان نیز به تبعیت از علامه نائینی از دو نوع سلطنت تملیکیه و ولایتیه سخن به میان آورده است (نائینی، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۳) و بیان می‌دارد، «تحدید استبداد، از مهمترین واجبات است» (نائینی، ۱۳۷۸: ۸۰) آنچه به نظر می‌آید آن است که طالقانی تا پیش از عیان و هویدا شدن انقلاب، از لفظ «انقلاب» استفاده نکرده و عمدتاً حین و پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که مباحثی را در رابطه با علل وقوع انقلاب، اهداف انقلاب، آسیب‌های انقلاب و ... مطرح می‌نمایند.

۱-۱-۲- حین و پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱-۱-۲-۱- علت وقوع انقلاب

آیت‌الله طالقانی در رابطه با علت وقوع انقلاب (چرایی انقلاب)، به دلایل کلی چون؛ استبداد داخلی، استعمار خارجی، استثمار و سلب آزادی اشاره کرده و جزئیات چندانی در این رابطه بدست نمی‌دهند. چنانچه در کتاب طرح نظام جمهوری اسلامی از «نفی استبداد- و استثمار و استعمار» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۷) سخن به میان آورده و یا در جایی دیگر بیان می‌دارد «انقلاب ما بر ضد استثمارگران و استعمارگران و طاغوتهاست» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۹۰) و یا حتی پا را فراتر گذاشته و براین باور است که هر انقلاب برضد ظلم، استبداد و استثمار در هر نقطه جهان که باشد از نظر وی یک انقلاب «اسلامی» است زیرا که او روح و تعالیم اسلام را در جهت رفع ظلم از همه انسانها،

مستضعفین و مظلومین می‌دانست (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۹۰-۹۱) و به نوعی تعریفی از انقلاب اسلامی به دست می‌دهند که ناظر به دغدغه‌های همیشگی ایشان نیز هست.

۱-۱-۲-۲- هدف انقلاب

از مجموع بیانات ایشان می‌توان دریافت که؛ هدف از انقلاب؛ حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و رسیدن به آزادی سیاسی و معنوی در سایه حکومت اسلامی و همچنین سایر آرمانها و آمال مکتب حیات بخش اسلام از جمله ایجاد قسط می‌باشد. چنانچه در توضیح آزادی بیان می‌دارد که بالاترین هدیه الهی برای انسان، آزادی است زیرا انسان آزاد آفریده شده است، هیچ‌کس هم نمی‌تواند آن را سلب کند. اصولاً تمامی انقلابها را برای باز کردن بندها می‌داند. چه این بندها اجتماعی و یا اخلاقی باشد (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۱۹-۲۰). «اسلام به خصوص در سطح مذهب شیعه دو هدف مهم دارد: یکی از بین بردن حکومت شاه و دیگری آزادی دادن به مردم برای تعیین سرنوشتشان...» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۹۴).

۱-۱-۲-۳- هویت انقلاب

طالقانی هویت انقلاب بهمن ۵۷ را مذهبی دانسته و براساس مبناها و گزاره‌های اسلامی سعی در تبیین آن داشت. چنانکه در برابر دیگر گروه‌ها و جریاناتی که برای انقلاب هویت متفاوتی در نظر می‌گرفتند پاسخ می‌داد: «انقلاب، انقلاب محرومین است. این انقلاب، انقلاب توده‌های مسلمان، پیروان قرآن و توحید است» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۸۷). آنچه به نظر می‌رسد آن است که تاکید طالقانی بیشتر بر نقش مردم مسلمان در وقوع انقلاب است. چنانکه در کتاب طرح نظام جمهوری اسلامی نیز به کرات از این واژه استفاده کرده اند (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۴۳-۸۷).

۱-۱-۲-۴- ارکان انقلاب

عموما در هر انقلابی سه عامل نقش ویژه ای دارند که بسته به نوع نگاه به آنها و میزان سهمی که برای هر یک در نظر می‌گیریم می‌توان نظریات گوناگونی در باب انقلاب ارائه داد. این سه رکن عبارتند از:

۱-۱-۲-۴-۱- مردم

آنچه در اندیشه آیت‌الله طالقانی کاملاً مشهود است توجه به نقش مردم و دوشادوش آن توجه به

نقش مکتب اسلام در وقوع و تداوم انقلاب ۵۷ می‌باشد. ایشان این انقلاب را یک انقلاب همگانی و مردمی می‌دانست. ایشان معتقد بود نقش مردم بیشتر از همه ما بود و به همین دلیل حق رای و تصمیم‌گیری دارند «چرا که آنها خون داده اند» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۲۲). از نگاه ایشان؛ انقلاب یک مقوله از پایین به بالا می‌باشد که مردم نقش اصلی را دارند. چنانچه می‌فرمایند: «انقلاب، انقلاب محرومین است، انقلاب، انقلاب توده مسلمان است» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۸۷). برای اساس به نظر می‌رسد؛ طالقانی در تبیین خود، برای اراده و نقش بازیگران، ارزش و اهمیت ویژه ای قائل بوده و به نظریات کارگزاری و نظریات موخر اسکاچپول یعنی نسل چهارم نظریات انقلاب نزدیک می‌گردد. همچنین در زمینه حکومت و زمامداری نیز نقش ویژه ای برای مردم قائل شده و بر این باور بود که «باید انجمنهای ولایتی و ایالتی در هر شهرها روستاها و هر دهکده به وجود بیایند و اشخاص مورد اطمینان مردم به وسیله خود مردم انتخاب شوند و مردم سرنوشت خود را با نظارت بر منتخبین بدست گیرند و مردم باید حاکم باشند ولاغیر. حکومت باید در خط و مشی مردم پیش برود» (افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۴۶۰).

۱-۱-۲-۲- رهبر

در رابطه با نقش رهبر در وقوع انقلاب ۵۷، با وجود اینکه ایشان پس از پیروزی انقلاب در عمل رهبری امام را پذیرفته و از ایشان تبعیت کرده و به وضوح بیان می‌دارند: «این مخلص رهبری قاطع ایشان را برای خود پذیرفته‌ام و همیشه سعی کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن به اسلام مشی من خارج نباشد» (طالقانی، ۱۳۶۰: ۹۲)؛ اما به طور کاملاً مشهودی در بعد نظری انقلاب به نقش مردم اشاره داشته و توجه چندانی به نقش محوری رهبری امام خمینی (ره) ندارند. به طوریکه در کتاب طرح نظام جمهوری اسلامی، به جای لفظ رهبر انقلاب، از لفظ رهبرهای انقلاب استفاده کرده و بیان می‌دارند؛ «... همه رهبرهای این انقلاب اسلامی، به خصوص حضرت آیت‌الله خمینی...» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۹۳)؛ و در جای دیگر به رهبری و هدایت انقلاب توسط مردم اینطور اشاره می‌کنند: «... این خواسته اکثریت مردمی است که انقلاب کردند و انقلاب را رهبری کردند» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۴۰). یا در جایی دیگر به وضوح رهبری انقلاب و امام خمینی (ره) را در کنار یکدیگر قرار داده و بیان می‌دارند: «این انقلاب به رهبری امام خمینی و ملت ایران بود» (افراسیابی، ۱۳۶۰: ۴۳۱).

ایشان به مانند علمای مشروطه خواه و نایینی، قائل به نقش نظارتی روحانیت بوده و بیان می‌دارند: «رهبرها ادعایی برای خود ندارند و انقلاب توسط همه گروهها است» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۱۱-۱۲). در همین خصوص در پاسخ به سوال خبرنگاران اشاره می‌دارد که «آیا باید (پست) وزارت می‌گرفتم؟ این کار که با (شانیت) و مواضع روحانیت جور در نمی‌آید. من و آیت‌الله خمینی هیچکدام به دنبال صدارت و وزارت نیستیم. ما فقط نظارت خواهیم داشت.» (طالقانی، ۱۳۵۹ ب: ۳۲). ایشان این عدم سهم‌خواهی رهبران را وجه ممیزه انقلاب اسلامی از سایر انقلابات رخ داده جهان می‌دانند (ملایی توانی، ۱۳۸۹: ۳۹۳).

به طور کلی در اندیشه ایشان، تاثیر کارگزار (مردم و رهبران) در انقلاب نسبت به ساختار مرجح است.

۱-۱-۲-۳- مکتب یا ایدئولوژی

آیت‌الله طالقانی در مقدمه کتاب تنبیه الامه نایینی و با استناد به نظرات ایشان و در جهت دغدغه اصلی خود، یعنی نفی طاغوت و استبداد و خودسری (نایینی، ۱۳۷۸: ۱۵)، از چهار سطح از حاکمیت مشروع سخن گفته و به مانند دیگر علما و اندیشمندان اسلامی بحث خود را از خداوند آغاز می‌کند و بر این باور است که چنانچه اراده خداوند در سراسر جهان حکومت دارد، در اختیار و اراده و اجتماع انسانی هم باید اراده خداوند حاکم باشد و حکومت نیز تنها برای خداوند است، ان الحکم الا لله (نایینی، ۱۳۷۸: ۱۴). در سطح دوم از قانون و نظامات سخن گفته و مرتبه سوم حاکمیت را متعلق به پیامبران و امامان می‌داند. ایشان سطح چهارم حاکمیت را مربوط به علمای عادل و مومن دانسته و بیان می‌دارند: «اینجا نوبت به انتخاب و تعیین مردم می‌رسد» (نایینی، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۵). این تاکید ایشان، نه تنها در جهت نفی استبداد ضمن نشان دادن جایگاه مکتب اسلام است بلکه به نوعی ایشان را به بحث انتخاب و مقبولیت نزدیک می‌سازد. نقش مکتب یا ایدئولوژی در انقلاب را می‌توان عنصر ساختاری اندیشه ایشان دانست.

۱-۱-۲-۵- نوع حکومت انقلابی

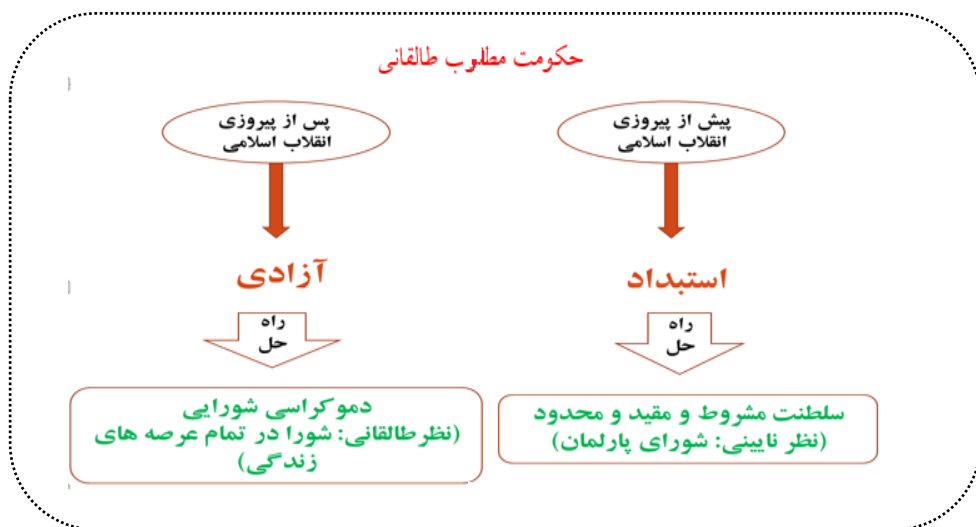
طالقانی نیز مانند بسیاری از علما و روحانیون مبارز، تئوری مستقلی در باب نوع حکومت پس از انقلاب طراحی و تدوین نکرده بود و بیشتر یک رشته مباحث در باب حکومت و حاکمیت ارائه داده

بود تا یک مدل با شکل و ساختار مشخص. به همین دلیل ایشان نیز همچون امام خمینی (ره) به پذیرش نظریه جمهوری اسلامی مبادرت ورزید (ملایی توانی، ۱۳۸۹: ۳۸۶-۳۸۷) و اظهار به طرد اسلام آریامهری، اسلام اموی، اسلام عباسی، اسلام صفوی نموده و بیان می‌دارند که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم (طالقانی، ۱۳۵۹، ب: ۵۳).

ایشان به صراحت از جمهوری اسلامی دفاع و حمایت کرده و پیش از رفراندوم در جمع خبرنگاران بیان می‌دارند: «ما جمهوریت اسلامی می‌خواهیم و قانون اساسی هم بر طبق جمهوریت و اسلامی است» (طالقانی، ۱۳۵۹، ب: ۴۰)؛ و یا در میدان آزادی شهر سندج این‌طور می‌فرمایند: «من اعلام می‌دارم که به جمهوری اسلامی رای می‌دهم» (افراسیابی، ۱۳۶۰: ۴۳۴). بدین ترتیب گفتمان مسلط و روح حاکم در اندیشه سیاسی مرحوم طالقانی، ایجاد حکومتی با مایه‌های دینی و اسلامی و متناسب با فرهنگ و سنت‌های ملی و بومی بود (ملایی توانی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

۱-۱-۲-۶- حکومت مطلوب

آنچه از مجموع نظرات و بیانات آیت‌الله طالقانی قابل استخراج است این است که نظریه سیاسی ایشان در باب حکومت مبتنی بر امر واقع و در کشاکش اندیشه و عمل به نوعی از اصلاح طلبی و تغییر از بالا به سمت انقلاب و تغییر از پایین کشیده می‌شود. چنانچه بیان شد مسئله اصلی ایشان در پیش از انقلاب، مسئله استبداد سیاسی است که به تاسی و هواداری از علمای مشروطه خواه و به‌ویژه علامه نایینی راه حل را در محدود کردن سلطنت دانسته و الگوی سلطنت مشروطه و شورای پارلمان را ارائه می‌دهند. در حالیکه در کشاکش حوادث، به ویژه سالهای ۴۲ تا ۵۷ و در بن‌بست استبداد پهلوی، مسئله اصلی ایشان آزادی و پس از انقلاب، بیشترین نگرانی ایشان مسئله استبداد دینی است. به همین دلیل راه حلی که به تناسب مسئله ارائه می‌دهند دموکراسی شورایی است؛ یعنی ایشان طی یک سیر چندین ساله برای مقابله با استبداد اعم از استبداد سیاسی و استبداد دینی و رسیدن به آزادی و حاکمیت مردم، از شورای پارلمان و سلطنت محدود به دموکراسی شورایی رسیده و معتقد به وجود شورا در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی می‌گردند. «از نظر طالقانی تنها راه بقای انقلاب اسلامی ایران، تشکیل شوراها و دادن کار به دست مردم است ...» (بسته نگار، ۱۳۹۳: ۸۲) «دریافت طالقانی این بود که شورا مهم‌ترین درمان درد دیرین استبداد اعم از دینی و غیر دینی در ایران است» (فیرحی، ۱۴۰۰: ۱۳۳)



نمودار شماره ۱- حکومت مطلوب آیت‌الله طالقانی

(منبع: محقق ساخته)

۱-۲- نظریه شورا

شاخص‌ترین جنبه از تفکر اجتماعی و سیاسی آیت‌الله طالقانی، نظریه شورا است که به عرصه عمل نیز رسیده است. شورಾಗرایبی طالقانی منبعث از قرآن‌گرایی و تلاش‌های تدبیری وی در کتاب پرتوی از قرآن است (فیرحی، ۱۴۰۰: ۱۲۹-۱۳۰). «در حوزه زمامداری پس از انقلاب، طالقانی تجسم مفهوم شورا بود» (ملایی توانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷). به طوریکه می‌توان میراث طالقانی در جمهوری اسلامی را اصل شورا دانست (فیرحی، ۱۴۰۰: ۱۳۶). شورا وجه تلاقی دو اندیشه بارز طالقانی، یعنی آزادی و مردم است.

۱-۲-۱- مفهوم شورا

ایشان معنای عمومی شورا را عرضه کردن و یا نمایاندن چیز نیکو و نفیسی که مستتر، پوشیده و پنهان باشد، می‌دانست (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). وی می‌گوید: «کلمه شور در ماده لغوی‌اش از شارالعسل است. عسل را وقتی می‌خواهند از کندو استخراج کنند، باید خیلی آهسته و با لطایف الحیل عمل کنند که زنبورها تحریک و متواری نشوند تا کم‌کم عسل را بیرون بیاورند» (طالقانی، ۱۳۵۸ ب: ۱۳۹).

۱-۲-۲- ادله شورا

طالقانی برای اثبات نظریه خود در مسئله شورا به آیاتی از قرآن اشاره می‌کند:

الف- آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «و شاورهم فی الامر»

این آیه بعد از جنگ احد و شکست مسلمانان نازل شده و به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که مسلمانان را مورد عفو قرار داده و در کارها با آنان مشورت کند. طالقانی از آیه فوق چند نکته را استخراج می‌کند؛

اول آنکه؛ مقصود از «الامر» تمام کارهای اجتماعی و سیاسی است (نابینا، ۱۳۷۸: ۹۰).

دوم آنکه؛ شورا پایه جامعه اسلامی است. چنانکه در جلد پنجم تفسیر پرتوی از قرآن بیان می‌دارد: «با آن عواقب سخت و ناگواری که در شورای احد پدید آورد و آن ضربه ای که بر مسلمانان وارد شد ... همه از آثار شورا بود ... با همه اینها باز اصل شورا را تحکیم می‌کند. چون پایه اجتماع اسلامی است» (طالقانی، ۱۳۵۸ الف، ج ۵: ۳۹۴-۳۹۵).

سوم آنکه؛ ایشان وجود شورا را مهمتر از آرایی که از شورا بیرون می‌آید، می‌دانست (طالقانی، ۱۳۵۹ الف: ۴۷۱). وی بر این اعتقاد بود که اگر در راه تحکیم شورا، هرچه زیان هم وارد شود ارزش دارد زیرا با هر شکستی آراء محکم‌تر و قدم‌ها ثابت‌تر می‌شود (طالقانی، ۱۳۵۸ الف، ج ۵: ۳۹۵). در واقع مرحوم طالقانی در اینجا بیشتر متمایل به نظریات دموکراتیک شده و به نوعی از نظریات نخبه‌گرا فاصله گرفته‌اند.

چهارم آنکه؛ «فرمان شور ... در امور اجرایی - احکام و فرامین الهی - است» (طالقانی، ۱۳۵۸ الف، ج ۵: ۳۹۷). با توجه به تاکید مشارالیه در تحلیل تفسیری شان مبنی بر فرمان پروردگار در الزام به شورا در امور اجرایی در واقع ایشان به نتایج بسط کارآمدی حکومت و ایجاد رشد در مردم توجه می‌دهد و همچنین آنجایی که ایشان اشاره می‌کنند که امر پروردگار به شورا، متعلق احکام و فرامین الهی نیست اشاره دارد به اینکه شورا امری کارآمد ساز است نه اثربخش به این معنی که مقوله شورا چارچوبها و قواعد کلی نظام سیاسی اسلام را طراحی نمی‌کند بلکه با حضور عنصر مردم در اداره حکومت، اهداف مطلوب نظام سیاسی سریعتر و سهل‌تر حاصل می‌گردد.

ب- آیه ۳۸ سوره شوری؛ «و امرهم شوری بینهم»

این آیه بر خلاف آیه «و شاورهم فی الامر» مستقیماً متوجه مسلمانان است. طالقانی در توضیح آیه بیان می‌دارد: آیه «امرهم شوری بینهم» که جمله‌ای خبری است، دلالت بر وضع امور نوعیه در میان جامعه ایمانی دارد و روش حکمرانی پیغمبر اکرم (ص) و امیرالمومنین علی (ع) را بر این منوال

می‌دانست (نایینی، ۱۳۷۸: ۹۱). «نحویون معتقدند که تاکید جمله خبریه، حتی از صیغه امر «و شاورهم فی الامر» بیشتر است» (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

ج - آیه ۲۳۳ سوره بقره؛ «فان ارادا فصلا عن تراض منهما و تشار فلاجناح علیهما»

طالقانی از این آیه، عمومیت شورا در همه واحدهای کشور و همه امور اجتماعی و سیاسی و همه شئونات زندگی را نتیجه می‌گیرد. چنانکه در جلد دوم کتاب پرتوی از قرآن، در تفسیر آیه بیان می‌دارد: «این مشورت که به صلاح نوزاد و پدر و مادر انجام می‌گیرد پایه صلاح اندیشی و تفاهم خانواده در حدود احکام اسلام است تا دیگر روابط و مصالح اجتماعی بر آن پایه بالا آید و وسعت یابد» (طالقانی، بی تا، ج ۲: ۱۵۸)؛ بنابراین ایشان معتقدند وقتی قرآن در مسئله به این کوچکی و در کوچکترین واحد اجتماعی امر به مشورت می‌کند، به طریق اولی می‌توان وجوب شورا را برای تمام واحدهای کوچک و بزرگ اجتماع دریافت (طالقانی، ۱۳۵۸ ب: ۱۳۸).

۱-۲-۳- سیر تکاملی شورا

نظام شورایی آیت‌الله طالقانی معطوف به واقع بوده و سیر تکاملی داشته است. چنانکه در پیش از پیروزی انقلاب و بعد از مرگ آیت‌الله بروجردی، مرجعیت شورایی را مطرح می‌کند؛ و در آستانه پیروزی و هنگام تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظام شورایی را برای کلیه سطوح جامعه پیشنهاد می‌دهد. ایشان نظر اخیر خود را تا مرحله اجرا به پیش می‌برد.

۱-۳-۲-۱- نظام شورایی در افتاء و مرجعیت (رهبری)

پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰، آیت‌الله طالقانی مقاله ای با عنوان «تمرکز و عدم تمرکز مرجعیت و فتوا» می‌نویسد که در کتاب «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» منتشر می‌شود. وی در این مقاله، ضمن مسلم دانستن اجتهاد در عصر غیبت، از سه نوع اجتهاد سخن گفته و برای هریک دلایل و اشکالاتی می‌آورد و در نهایت معتقد است؛ فتوای شورایی نسبت به سنت رایج فتوای اعلم، اصلح و به مقصود و نظر شارع نزدیکتر است (طباطبایی و دیگران، ۱۳۴۱: ۱۳۱-۱۳۵).

۱-۳-۲-۱-۱- روش ابلاغ فتوا از دیدگاه مرحوم طالقانی

۱-۳-۲-۱-۱-۱- تمرکز مطلق در فتوا و امور اداری دین (نظریه وجوب تقلید از فقیه اعلم)

این شیوه وجوب تقلید از فقیه اعلم، به طور گسترده در دو سده اخیر و بعد از سیطره علمی

مرحوم شیخ مرتضی انصاری «رض»، به یک سنت پایدار و مقبول در میان حوزویان و شیعیان تبدیل شده است (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۳۱)

طالقانی ایرادات و اشکالاتی برای آن به شرح ذیل مطرح می‌سازد:

معمولاً عرف عقلا در یک مساله به «متخصص» آن مراجعه می‌کنند و فقط در موارد ضروری و استثنایی به متخصص‌تر مراجعه می‌کنند. وی معتقد بود در مقام عمل، تشخیص اعلم کاری بس دشوار و یا محال است و اصولاً دین اسلام که دین و شریعت آسان‌گیر است، چنین امر مشکلی و سختی را از مسلمانان نمی‌خواهد؛ و از طرفی سیره معصومین را به گونه دیگری و برخلاف قاعده رجوع به اعلم می‌دانست، زیرا که با وجود و حضور امامان شیعه، عده‌ای از شاگردان آنان برای مردم فتوا صادر می‌کردند و این رویه به دستور خود ائمه صورت می‌گرفته است. وی با اشاره به آیه ۱۲۳ سوره توبه که معروف به آیه «نفر» است، دلالت بر عدم تمرکز دارد بدین معنا که هرکس در منطقه خود مرجع برای مومنین قوم و قبیله خود باشد و مردم منطقه برای اخذ دستورات دینی به وی مراجعه کنند؛ و آخرین دلیل ایشان بیشتر ناظر به بعد مدیریتی نهاد مرجعیت و روحانیت و موضوع اداره و اخذ و رد وجوهات شرعی است که کهولت مرجع و (امکان) احاطه اطرافیان بر وی ممکن است (امکان) وقوع استبداد دینی را مهیا کند (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۳۱-۲۳۳). در نهایت در رد این شیوه اجتهاد نتیجه می‌گیرد که: «تمرکز به مصلحت دین و جامعه مسلمین نیست» (طباطبایی و دیگران، ۱۳۴۱: ۱۳۳).

۱-۲-۳-۱-۲- نبود هیچگونه تمرکزی

طالقانی معتقد است این شیوه به نوعی آنارشیزم منجر می‌شود و در رد آن می‌فرماید: «صورت دوم که عدم مرکزیت به هر صورت باشد نیز (با اینهمه وسائل ارتباط) صلاح نیست زیرا اختلاف سلیقه و محیط و جواب مراجعین موجب تحیر و پراکندگی مسلمانان و عدم تفاهم و تعاون رهبران می‌شود...» (طباطبایی و دیگران، ۱۳۴۱: ۱۳۳).

۱-۲-۳-۱-۳- تمرکز در هیئت و نظام شورایی

طالقانی فتوای شورایی را بهترین شیوه اجتهاد می‌داند چنانکه بیان می‌دارد: «تمرکز در هیئت و اجتماع، اصلح و اتقن به نظر شارع است» (طباطبایی و دیگران، ۱۳۴۱: ۱۳۴). ایشان حتی راهکار عملیاتی شدن آن را نیز با پیشنهاد اینکه مسائل پیش‌آمده را علما و فقهای شهرستانها و اطراف شور کنند و پس از اخذ و استخراج رای از این شورا، نتیجه و تکلیف (به مردم) اعلام گردد، ارائه نمود (طالقانی، ۱۳۴۱: ۱۳۴).

۱-۲-۳-۲- نظام شورایی برای کلیه سطوح جامعه

همانطور که در ادله شورا بیان شد، طالقانی در حین و پس از پیروزی انقلاب معتقد به ایجاد شورا در تمام سطوح اجتماعی و سیاسی شد. وی فقط به نظریه اکتفا نکرده و در عرصه اقدام سیاسی- اجتماعی نیز پیشگام اجرای نظریه شورا در انقلاب اسلامی گردید و در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، طرح اجرایی کمیته‌های محلی را با عنوان شوراها محلی به مسئولین ارائه کرد (ملایی توانی، ۱۳۸۲: ۱۴۶). به طور مثال؛ در غائله سنندج «از اقدامات اولیه ایشان برای آرام کردن منطقه، تشکیل شورای شهر سنندج جهت اداره شهر توسط خود اهالی بود.» (بسته نگار، ۱۳۹۳: ۷۵) به طوری که در دفاع از شورا بیان می‌دارند: «مگر در سنندج که این شورای نیم بند تشکیل شد ضرری به جایی رسید و می‌بینیم که آنجا از همه جای کردستان آرامتر است» (افراسیابی، ۱۳۶۰: ۵۵۴).

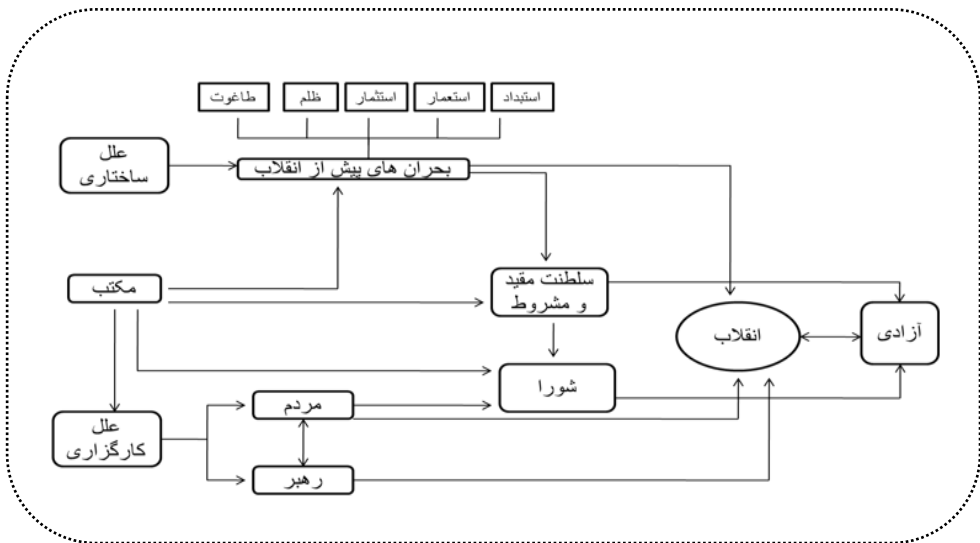
طالقانی؛ در سنت دیرینه اندیشه خود در دفاع از آزادی و نفی استبداد بیان می‌دارند: «همیشه رهبری پیامبر و اوصیاء و تربیت شدگان در میان نیست. پس باید خود را به دست سرنوشت رها کنند تا سرنوشتشان را دیگران تعیین کنند و یا گرفتار استبدادها و خودسری‌ها باشند...» (طالقانی، ۱۳۵۸ الف، ج ۵: ۳۹۵). به اعتقاد ایشان اگر مردم در امور اجتماعی و سیاسی مشارکت درست و واقعی داشته باشند می‌توانند رشد سیاسی- اجتماعی داشته و منشا اثر و موثر در سرنوشت خویش گردند (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۲۶)

۱-۲-۴- آثار مشورت برای جامعه از دیدگاه آیت‌الله طالقانی

مرحوم طالقانی برای مشورت آثاری نظیر شخصیت دادن به پیروان، رشد فکری مردم، کاهش ضریب خطا (کارآمدی)، گزینش کارگزاران قوی از افراد مستعد و ناشناخته و نظارت همگانی از طریق شورا قایل بودند (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۲۲۷-۲۲۹).

۱-۳- طالقانی و آرزوهای مانده

آنچه به نظر می‌رسد آن است که؛ مسئله تاسیس شوراها، اصلی‌ترین دغدغه طالقانی بود. چنانکه بیان می‌دارد: «صد بار من گفتم که مساله شورا از اساسی‌ترین مسئله اسلامی است» (شیرخانی، ۱۳۷۷: ۲۳۹). وفات طالقانی در ابتدای انقلاب به وی مجال نداد تا به پرسش‌ها و چالش‌هایی که سال‌های بعد فراروی نظام انقلابی قرار گرفته و یا پاسخ‌هایی که در مقام عمل و نظر دچار صعوبت شده را پاسخ گوید.



نمودار شماره ۲- مدل علی و مفهومی اندیشه انقلاب آیت‌الله طالقانی

(منبع: محقق ساخته)

۲- انقلاب از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی

از آنجایی که آیت‌الله مصباح‌یزدی یک شخصیت جامع‌الاطراف و دارای مطالعات و آثار مختلف علوم اسلامی است و فقهی برجسته، فیلسوف و حکیمی بزرگ و نوآور، مفسر و صاحب نظر علم کلام می‌باشد که در حوزه علوم اجتماعی آثار قلمی و شفاهی دارد، بدیهی است که استدلال‌های ایشان از جنس ارجاع به منابع و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی باشد. در این مکتب فکری، حکومت متعلق خالق انسان، جهان، سلسله انبیاء، اولی‌الامر و منصوبان آن می‌باشد. آنچه که موجب می‌شود انقلاب، موضوع مباحث اسلام‌شناسانی نظیر ایشان گردد، جایگاه مساله امامت و ولایت در اندیشه شیعی و دایره‌مدار اصلی مباحث نیز حول محور امامت و ولایت است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۹).

وی هرگونه استدلال و نظریه خود را در حوزه جامعه‌شناختی و مطالعات انقلاب و حکومت به قرآن و حدیث ارجاع می‌دهد و نظریه خود را در ذیل گزاره‌های استنباطی و تفسیری از متن قرآن و حدیث با رویکرد عقلانی و فلسفی ساماندهی می‌کند. البته در اندیشه فکری ایشان، مسئله دگرگونی

اجتماعی و سنت‌های اجتماعی قرآن که تقارن و تقرب موضوعی با مفهوم دگرگونی و انقلاب دارد، نیز برجسته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵: ۱۵۳ و سراسر).

۲-۱- دگرگونی اجتماعی و عوامل آن

ایشان در مسئله عوامل دگرگونی اجتماعی نخست، آنها را به دو دسته بزرگ «ضروری یا تصادفی» و «ارادی» تقسیم‌بندی نموده و سپس از بین عوامل دگرگونی‌ها به عوامل مختلفی اشاره می‌کند که از جمله این دگرگونی‌ها، «دگرگونی در نهاد حکومت» است. وی معتقد است، «نظام‌های سیاسی» از لحاظ روش انتخاب زمامداران به دو دسته بزرگ تقسیم‌بندی می‌شوند:

۲-۱-۱- نظام‌های مردم‌سالارانه

نظام‌هایی که زمامداران به وسیله مردم انتخاب می‌شود.

۲-۱-۲- نظام‌های خودکامه و استبدادی

نظام‌هایی که مانع از انتخاب زمامداران به وسیله مردم می‌شوند، البته میان این دو دسته، نظام‌های مختلط هم می‌توان یافت که از اختلاط روش‌های «مردم‌سالارانه» و روش‌های «استبدادی» حاصل آمده‌اند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۲۳).

۲-۲- تعاریف و ویژگی

۲-۲-۱- انقلاب

ایشان در تعریف ابتدایی از انقلاب می‌نویسند: در اصطلاح علم سیاست انقلاب عبارت است از تحوّل سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد. وی معتقد است تا زمانی که همه افراد جامعه یا اکثریت آنان منافع عضویت در جامعه خود را بیشتر از مضار آن بدانند جامعه، «متعادل» و «متوازن» خواهد بود.

وی بر این باور است که عوامل طبیعی، عوامل خدادادی درون انسان‌ها و عامل وحی نقشی اساسی در ایجاد تحولات اجتماعی دارند؛ ولی «اراده» نیز عاملی مهم و درواقع، جزو اخیر از علت تامه تحولات اجتماعی است، زیرا که انسان می‌تواند با اراده خویش برخلاف تمام مقتضیات این

عوامل رفتار کند. وی استدلال می‌کند که احساس فقر، احساس ظلم، احساس از دست دادن حیثیت جهانی و احساس محرومیت از استکمالات معنوی و اخلاقی از عوامل مهم ایجاد بحران در جوامع به شمار می‌روند و از نظر اسلام نیز بهره‌برداری از نقاط ضعف مادی جامعه برای برپا کردن نهضت اجتماعی‌ای که هدف اصلی آن، اصلاحات معنوی است موجّه و مشروع است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۵).

البته تعاریف مفاهیم نزدیک به مفهوم انقلاب را نیز به قرار ذیل ارائه می‌دهد.

۲-۲-۲- اعتصاب

در دامنه‌دارترین معنای خود، به هر نوع تعطیلی گفته می‌شود که به‌عنوان اعتراض در تجاوز به یکی از حقوق اجتماعی به عمل آید و در معنای خاص خود، به معنای معلق ساختن هماهنگی کار از طرف کارگران و دستمزدبگیران برای فشار بر کارفرما، به‌منظور برآوردن حداقل بخشی از خواسته‌های‌شان می‌باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۵).

۲-۲-۳ کودتا یا انقلاب کاخی

در معنای عام خود، یعنی شورش گروهی از دستگاه حاکمه بر ضدّ گروه دیگر و تلاش‌شان برای برکنار کردن آنان از صحنه قدرت (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۷).

۲-۲-۴ شورش

رفتار خشونت‌آمیزی است که توسط توده‌ای از مردم یک منطقه علیه حکومتی خاص برای رهایی از سلطهٔ سیاسی آن حکومت شکل می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۸).

۲-۲-۵ اصلاح

عبارت است از تغییر در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی یک جامعه، حکومت، آیین، نهاد و یا ساختار، بدون آن‌که روح کلی و شاکله و ساختار سیاسی آن را دگرگون سازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۹).

۲-۲-۶ نهضت یا جنبش

عبارت است از حرکتی که از سوی گروهی به‌طور نسبی منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقش معین شکل می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۳۱).

۲-۳- عوامل شکل‌گیری انقلاب، تحول و دگرگونی‌های اجتماعی

۲-۳-۱- نقش نهاد و ساختار

وی در مفهوم تحول معتقد است دگرگونی در یک نهاد و ساختار اجتماعی می‌تواند تحول در سایر نهادها را مهیا نماید. بی‌گمان همه نهادهای اجتماعی در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به سبب همان تأثیر متقابل دارای نوعی هماهنگی می‌شود از این رو دگرگونی که در یک نهاد پدیدار شود دیگر نهادها را نیز کم یا زیاد، متحول می‌سازد. آنچه در پی می‌آید نمونه‌هایی از تأثیر دگرگونی‌های هر نهاد در نهادهای دیگر است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۲۴).

با توجه به اهمیت نهادها در تحلیل تحولات اجتماعی و انقلابات می‌توان گفت که ایشان به مسئله نهادهای برساخته بشری نه البته ساختارهای فاقد هرگونه اراده نیز در تعریف و شکل‌گیری انقلاب اهمیت می‌دهد (البته نه به آن اندازه که به جایگاه کارگزاری، نیت و اراده‌ها و پروژه بودن تحولات اهمیت می‌دهد)

۲-۳-۲- نهادهای مهم در تحولات اجتماعی

از جمله نهادهای که آیت‌الله مصباح‌یزدی در تحلیل تحولات به آن اهمیت می‌دهند عبارتند از تأثیر دگرگونی‌های نهاد خانواده در سایر نهادها، به تأثیر دگرگونی‌های نهاد اقتصاد، تأثیر دگرگون‌های نهاد آموزش و پرورش، تأثیر دگرگونی‌های نهاد حقوق و مالاً تأثیر دگرگونی‌های نهاد حکومت در سایر نهادها می‌باشد.

ایشان عوامل دگرگونی‌های اجتماعی را این‌گونه توضیح می‌دهد که قبل از هر چیزی تذکر این نکته ضرورت دارد که همه عوامل موثر در دگرگونی‌های اجتماعی، خود نتیجه و معلول یک رشته از عوامل به علل دیگر هستند و آن رشته از عوامل و علل دیگر به نوبه خود بر اثر علل و عوامل دیگری پدید آمدند و همین طور الی آخر، مقصود از عوامل دگرگونی‌های اجتماعی فقط علل غریبه تحولات جامعه است هرچند ممکن است یک یا چند علت از علل غریبه خود معلول‌های یک علت واحد باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۲۵-۳۴۰).

۲-۳-۳- علل کارگزاری و ارادی دگرگونی اجتماعی

وی هر دگرگونی اجتماعی را نتیجه «قصد، نیت، میل و اراده و یا کار و کوشش» همه یا اغلب

افراد جامعه می‌داند که به صورت آگاهانه، عمدی، هدفدار و ارادی بوده است و یا آن تحول ارادی نبوده است بلکه از سر «ضرورت یا تصادف» وقوع یافته است. باز تاکید می‌کند که البته از جهتی، تقریباً همه دگرگونی‌های اجتماعی ارادی هستند، زیرا که از اعمال ارادی یکایک مردم ناشی می‌شوند؛ لکن، اعمال ارادی مردم ممکن است به نتایج ناخواسته هم بیانجامد، چرا که کنش‌های افراد همواره هماهنگ و سازگار نیستند و در عمل ممکن است مانع یکدیگر شوند یا مسیر دیگر را تغییر دهند و انگهی سخن بر سر این است که آیا همه یا اکثر مردم خواستار فلان دگرگونی بودند و آن را ایجاد کردند و دگرگونی مفروض نتیجه اراده و عمل یک یا دو یا چند نفر یا دسته بوده است؛ بنابراین وی، دگرگونی اجتماعی را به دو دسته بزرگ دگرگونی‌های «ضروری یا تصادفی» و دگرگونی‌های «ارادی» تقسیم‌بندی می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۴۰).

۲-۳-۱- دگرگونی‌های ضروری یا تصادفی (ارادی ساخت‌مند)

وی عواملی چون رویدادهای طبیعی و جنگ را در ذیل دگرگونی‌های ضروری یا تصادفی تحلیل می‌کند و غایات بالعرض افعال انسان‌ها یعنی اگر انسانی برای وصول به هدفی معین و معلوم دست به کاری بزند، آن کار به نتیجه‌ای منتهی می‌شود که در آغاز مورد قصد و طلب نبوده است ولی اکنون که پدیدار شده است، منشاء تحولی در زندگی آن فرد یا آن دسته از افراد بشود، نتایج بعضی از کارها که برای نیل به اغراض شخصی و منافع فردی انجام می‌گیرد ایشان در خصوص عواملی مثل اختراع، تراوش و پخش چنین می‌نگارد که: اختراع را می‌توان به ترکیب جدید عناصر شناخته شده تعریف کرد. ذکر این نکته لازم است که اختراعات فقط در عرصه اشیاء مادی و جسمانی صورت نمی‌گیرد بلکه در پهنه امور غیرمادی نظیر حزب سیاسی، رای‌گیری مخفی، اتحادیه کارگری، نیز به‌ظهور می‌پیوندد؛ البته تراوش و پخش به معنای سرایت ویژگی‌های یک جامعه در اثر تماس با جامعه‌های دیگر روی می‌دهد. وی معتقد است جامعه‌شناسان، پخش و اختراع را از عوامل انقلاب می‌دانند و عموماً اختراع و تراوش را اساس دگرگونی اجتماعی به حساب می‌آورند؛ زیرا که فقط به توسط این دو عامل است که عناصری جدید به جامعه راه می‌یابد، آنان همچنین دگرگونی‌های ناشی از تراوش را به مراتب بیش از دگرگونی حاصل از اختراع با اهمیت می‌انگارند و تراوش را منشاء غالب دگرگونی‌های اجتماعی به حساب می‌آورند.

همچنین ایشان مواردی مانند رشد علم و فن، عوامل جمعیتی، جمعیت نامتجانس، تعارض و بی‌سازمانی اجتماعی را ذیل دگرگونی‌های ضروری یا تصادفی ساماندهی می‌نمایند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۲۶-۳۴۰).

۲-۳-۳-۲- دگرگونی‌های ارادی (مستقیم)

ایشان در دگرگونی‌های ارادی به مواردی از قبیل نارضایتی عمومی از اوضاع و احوال موجود، ارزش‌ها و آرمان‌ها، بزرگان و افراد برجسته، آموزش و پرورش می‌پردازد و نقش آنها را برجسته می‌نماید (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۴۳-۳۴۵).

۲-۳-۳-۲- دگرگونی‌های درون‌زا و برون‌زا (تقسیم‌بندی دیگر)

آیت‌الله مصباح‌یزدی همه دگرگونی‌های اجتماعی را درون‌زا نمی‌داند بلکه بسیاری از آنها را برون‌زا به حساب می‌آورد، ایشان استدلال می‌کند که اگر رویدادهای طبیعی را نیز از عوامل درونی موثر در دگرگونی یک جامعه بدانیم، بی‌گمان جنگ، فتح، غلبه، تماس فرهنگی و تراوش از عوامل بیرونی تحولات هستند؛ بنابراین کسانی که جامعه را واجد ویژگی «خودپویایی» می‌دانند، بدین معنا که همه تحولات جامعه را ناشی از علل و عوامل موجود در درون آن می‌دانند و هیچ علت و عامل خارجی را موثر در تحولات یک جامعه نمی‌انگارند روی در صواب ندارند، خواه به وجود وحدت شخصیت حقیقی جامعه باور داشته باشند و خواه نداشته باشند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۴۷). وی اضافه می‌کند که باید دانست که چون جامعه وجود، وحدت و شخصیت حقیقی ندارد، در واقع دگرگونی اجتماعی از حیث مناسبات و ارتباطات که با یکدیگر دارند به افراد انسانی منسوب می‌گردد و در واقع امری اعتباری است. ایشان معتقد است برای شکل‌گیری هر انقلاب و تحولی باید از کل منابع و نیروهای معنوی و روحی انسانی الهی بهره برد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

ایشان بر نظریه برنامه‌ای و پروژه بودن انقلاب در مقابل پروسه بودن انحصاری انقلابات دفاع می‌کند و استدلال می‌کند که انبیاء با دعوت به وحدت در جامعه قصد تحول داشته‌اند. اگر چه مردم در تحقق آن به اندازه کافی حضور نیافتند. به همین استدلال به حضور مردم ایران در انقلاب اسلامی و شکل‌گیری حکومت بسیار ارج می‌نهد و آن را بی‌بدیل می‌داند.

۲-۳-۴- دگرگونی‌های اجتماعی به مثابه حرکت

آیت‌الله مصباح‌یزدی معتقد است دگرگونی‌های اجتماعی نه از قبیل «کون و فساد» بلکه از مقوله «حرکت» است؛ بنابراین از آنجایی که دگرگونی اجتماعی ممکن است در بعضی از دوره‌ها و در پاره‌ای از حوزه‌ها تندتر روی دهد در برخی دیگر کندتر و شاید به نحوی نامحسوس و نیز ممکن

است دارای شتاب مثبت باشد یا شتاب منفی، جامعه‌شناسان از سر مسامحه و سهل‌انگاری بین دگرگونی‌های سریع و دگرگونی‌های بطئی تمایز قائل شده‌اند. دسته اول را تحولات «انقلابی و ناگهانی و دفعی» و دسته دوم را تحولات «مستمر و تدریجی» نامیدند. خشونت و مسالمت در دگرگونی‌های اجتماعی از جمله موضوعاتی است که آیت‌الله مصباح‌یزدی به آن پرداخته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۳۴۷-۳۴۹).

۲-۴-۱- منشاء پیدایش حکومت از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی

۲-۴-۱-۱- رابطه مردم و انبیاء

ایشان حضور مردم را عامل به وجود آورنده انقلاب‌ها و حکومت می‌داند و اگرچه حق حکومت و حاکمیت را متعلق «الله» و سلسله فرستادگانش می‌داند ولی در مقام عینیت و وقوع، جزو اخیر از علت تامه و عامل نتیجه‌بخش انقلاب و حکومت اسلامی را متوجه حضور مردمی که مجری خواست خداوند و نظرگاه انبیاء باشند، می‌داند. وی با اشاره به علت اینکه هیچ یک از انبیا -در طول تاریخ- نتوانسته‌اند حکومت تشکیل دهند را متوجه این می‌داند که مردم با آنها همراهی نکرده‌اند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۴۶). لذا منشاء پیدایش حکومت را اراده برتر مردم فرمان‌پذیر و قدرتی که زمینه اعمال فرمان را فراهم می‌کند و جلوی آشوب و هرج و مرج را می‌گیرد، می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۵۰).

۲-۴-۲- جایگاه مردم و انبیاء در فرایند شکل‌گیری تحولات اجتماعی

وی حرکت عمومی تاریخ را مثبت ارزیابی می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۸۲) و در نقد و مخالفت با نظریه حرکت ماریپیچی تاریخ -که تکرار در آن لحاظ شده است- حرکت عمومی تاریخ را تصاعدی می‌داند و برای حل نظری آن تاکید به شناخت کمال انسان می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۹۱). وی در مطالعه تاریخی حرکت انبیاء استدلال می‌کند که نظر اکثریت قاطع مردم برخلاف نظر انبیا بوده است و مطابق با آموزه‌های قرآن، ضمن ارزشمندی و ریشه قرآنی شورا، حکم به عدم حجیت شورا در مقابل نص می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۵۵).

۲-۴-۳- انبیاء تامین‌کننده منافع مادی، معنوی و روحی مردم

وی معتقد است که فقط با ماموریت انبیا می‌توان حقوق و منافع مردم را به طور کامل تامین کرد زیرا ماده‌گرایان تا زمانی که فردیت و نفسانیت و انانیت برای آنها مهم‌تر باشد، هرگز نمی‌توانند منافع

خود را کنار بگذارند و منافع مردم را رعایت کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

۲-۴-۴- جایگاه وحدت و اختیار در تحول اجتماعی

آقای مصباح ضمن اصرار و مهم دانستن وحدت، اما برای وحدت، ارزش واسط قائل است نه ارزشی نهایی و غایی، زیرا وقتی وحدت ارزشمند و مقدس است که در حول یک هدف متعالی و مقدس بر مبنای تقوا بنا نهاده شده باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۱۸۴) و همچنین اختیار را لازمه هر حرکت معنوی و هر نوع انقلاب و تحولی می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲۱۵-۲۰۹).

۲-۴-۵- جایگاه فرهنگ نخبگان و عامه مردم در تحول اجتماعی

در دیدگاه وی آن گروهی که عامل انقلاب می‌شوند نخبگان هستند و عامه مردم اثر کمتری دارند. آنچه را که در انقلاب مهم می‌داند مقوله فرهنگ و البته فرهنگ نخبگان است که عوام از آن تبعیت می‌کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲۲۲-۲۲۴). اهمیت نقش نخبگان در دیدگاه ایشان بسیار مهم و برجسته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲۸۵-۲۸۶). آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلابها ممتاز می‌کند همان فرهنگ اسلامی است و اصولا انقلاب برای همین موضوع شکل گرفته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸: ۲۵).

۲-۴-۶- جایگاه عوامل داخلی و خارجی در تحول اجتماعی

وی در انجام انقلاب و تحول تاکید فراوانی بر عوامل داخلی دارد با اینکه هرگز نقش عوامل خارجی را نفی نمی‌کند. مهمترین عامل در دوام و قوام یک حکومت یا ظهور یک انقلاب را متوجه انقلابیان مسلمان می‌داند و نه عوام مردم. ایده‌های ایشان به نظریه نخبگانی و پیشگامی نخبگان نزدیک می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۵) اکثر تحولات بزرگ مرهون اندیشه عالمان است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۴).

۲-۴-۷- جایگاه انگیزه، عوامل اخلاقی و معنوی و امداد غیبی در تحول اجتماعی

وی به مسئله انگیزه در حفظ حکومت و یا ایجاد انقلاب، بسیار اهمیت می‌دهد و به دو عامل شناخت خوب از بد و کنترل غرائز و هوس‌ها توجه می‌دهد و به نقش برجسته معنویت در پیروزی انقلاب اسلامی بسیار تاکید دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲۲۶-۳۳۰). تقویت معنویت را، رمز پیروزی مسلمانان بر مستکبران و انقلاب می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۳۲۷-۳۴۲) وی در ظهور انقلاب بر عوامل اخلاقی و معنوی نظیر صبر، مقاومت، تقوا و تعهد بسیار تاکید دارد.

وی اگرچه به امداد غیبی باورمندانه می‌نگرد ولی اعمال امداد غیبی را مشروط به افعال اختیاری انسان و حضور عنصر ایمان در زمینه‌ساز شدن و نیل رحمت الهی به سوی او می‌داند. ایشان حتی انذار و تبشیر خداوند را مهیا کننده ظرفیت‌ساز برای دریافت رحمت الهی می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۳۴۶). البته تاکید دارد که برای تحقق سنت‌های الهی، قوت جلب رحمت الهی متعلق گروه‌های اندک و موثر نخبگان است و تنها برای نخبگان الزام سطح بالایی از فضایل و ویژگی‌های اخلاقی ضرورت دارد، لازم نیست همه انسانها در سطح عالی از خصائص مطلوب الهی باشند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۳۵۸).

۲-۴-۸- عوامل امنیت‌ساز و تهدیدی برای انقلاب اسلامی

ایشان در جایی، آمادگی نظامی، جهاد و ایمان را عامل پیروزی در انقلاب می‌داند و البته به عامل عدم سستی و وادادگی، تحمل امتحانات الهی، پاسداری از آرمان‌های اسلامی، مبارزه با انحرافات و اهمیت نقش و وظیفه نخبگان اهل علم بسیار توجه داده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۳۶۹-۳۷۹). وی منافع و مادیات مردم را عامل وحدت نمی‌داند و توجه ویژه‌ای به عامل تالیف قلوب، وحدت و دینداری دارد و دین را عامل وحدت می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۴۳۴). از جمله عواملی که موجب آسیب یک نظام بر می‌شمارد و موجبات سقوط انقلاب را فراهم می‌سازد نقش نهادهای اقتصادی، تعلیم و تربیت، خانواده، فرهنگی، تربیت حکمرانی می‌داند و همچنین در خصوص عوامل خارجی‌ای که موجبات سقوط انقلاب را فراهم می‌کند، به عامل نفوذ بیگانگان در ارکان نظام و نهادهای تصمیم‌سازی و سیاست‌سازی و نفوذ در نهادهای اقتصاد و فرهنگ توجه می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: سراسر).

۲-۵- تعریف، عوامل و ویژگی‌های انقلاب اسلامی

در تعریف ایشان آمده است که انقلاب اسلامی، عبارت است از حرکتی بنیادین و تحولی اساسی در اوضاع و احوال سیاسی جامعه بر اساس آموزه‌های اسلامی به منظور جایگزین نمودن نظامی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی؛ وی معتقد است که «اسلامی‌بودن» فصل‌میز انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌های جهان است به همین دلیل، در دیدگاه ایشان، عنصر فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انحراف در مسیر چنین انقلابی را از همین مسیر می‌داند.

وی ضمن توجه دادن به موارد ذیل: اهمیت به انتخاب آگاهانه، ابعاد فرهنگی، تأکید بر تبیین دقیق اهداف، تلاش در تحکیم باورهای حقه، فراگیری و گسترده‌سازی انقلاب، ثبات قوانین و مقررات، استقلال و عدم اتکا به بیگانگان، بهره‌مندی از امدادهای غیبی الهی، رعایت مصالح متغیر، برخورداری

حاکمیت از پشتوانهٔ بادوام و ثابت، آنان را از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی محسوب می‌داند. وی اشاره می‌دارد که انقلاب اسلامی ایران نیز نمونه‌ای از این‌گونه انقلاب‌هاست که در نوع خود منحصر به فرد است، زیرا با پیروی از حرکت انبیای الهی به ابعاد معنوی انسان‌ها توجه نموده است. وی اختصاصات و امتیازات انقلاب اسلامی را شامل مواردی نظیر جایگزین شدن حکومت الهی مبتنی بر عدالت به جای حکومت‌های مبتنی بر ظلم، خودمحموری، خودگزینی و قدرت‌طلبی می‌داند و می‌نویسد در صحنهٔ انقلاب بیش از همه عوامل، سه عامل رکنی رهبری، مردم و مکتب در ایجاد انقلاب موثر است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: سراسر).

۲-۵-۱- رهبری

وی در توضیح رهبری می‌نویسد، در هر نهضتی لازم است رهبر دارای ویژگی‌های خاصی باشد که در صورت فقدان آن‌ها، نهضت به سر منزل مقصود نخواهد رسید. وی این ویژگی‌ها را در رهبری انقلاب اسلامی ایران (امام خمینی) محرز می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۱۷). این ویژگی‌ها و اوصاف رهبران شایسته، شامل مندرجات جدول زیر می‌باشد.

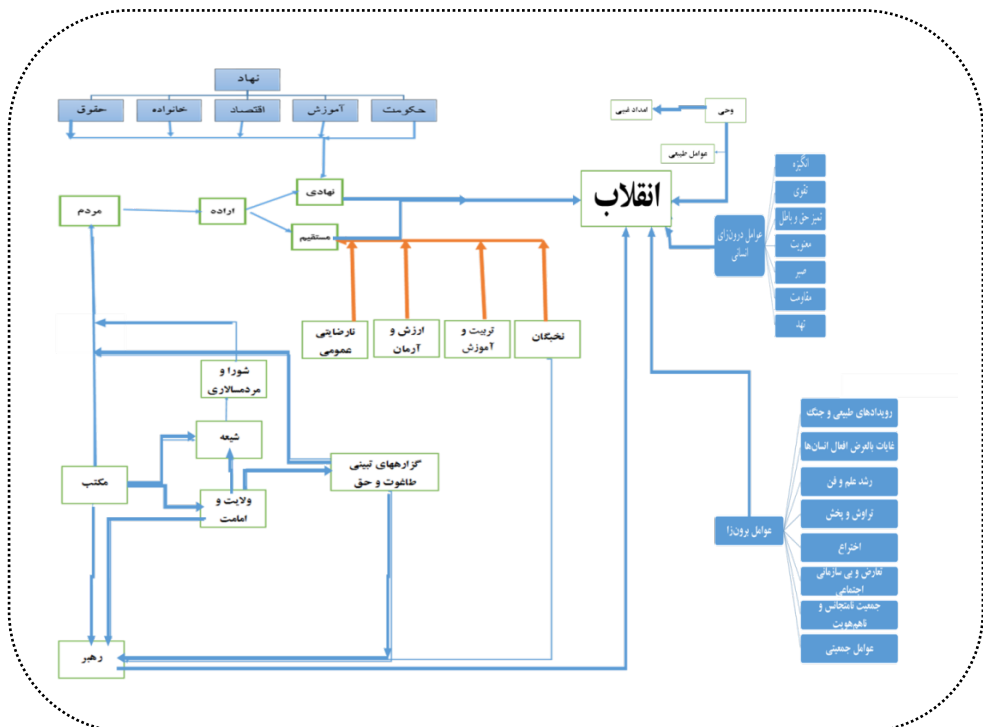
جدول شماره ۱- اوصاف رهبر شایسته از دیدگاه آیت‌الله مصباح

اوصاف رهبر شایسته	اوصاف رهبر شایسته	اوصاف رهبر شایسته
عدالت، تقوا و ورع	ایمان کامل به هدف	شناخت کافی هدف
شناخت موانعی که بر سر راه حرکت اجتماعی پایدار خواهد شد و تعیین شیوه‌های مقابله با آنها	جلوگیری از انحراف و فساد زیردستان	احسان و نیکی به دیگران
ارزش قایل شدن برای شخصیت دیگران	پایداری و استقامت و شجاعت	انتقادپذیری
تسامح و سعه صدر در امور فرعی و کم‌اهمیت	جلوگیری از اختلاف و افتراق نیروها	تواضع
خیرخواهی و دلسوزی برای دیگران	شناخت نقاط ضعف موجود و تعیین اهم و مهم آنها	ایثار و از خودگذشتگی
شناخت و تعیین اصول و موازینی که حرکت اجتماعی باید در چهارچوب آنها صورت گیرد	عدم مسامحه در رعایت هدف نهایی و اصول تغییرناپذیر	رازداری
صراحت در قول درباره هدف نهایی و اصول موازین غیرقابل تغییر	اشراف بر همه امور و شؤون	انضباط و فرمانبرداری خواستن
جلب نیروهای بالفعل و تربیت و تعلیم نیروهای بالقوه	توجه مؤکد به تدریجی بودن حرکت اجتماعی	دوراندیشی و برنامه‌ریزی

(منبع: محقق ساخته)

۲-۵-۲- مردم

در نگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی اگرچه جایگاه مردم در مشروعیت حقوقی و فقهی هیچ ترجیحی بر جایگاه حق‌الله ندارد ولی در مقبولیت و ایجاد حکومت دینی، نقش مردم اولی است و بدون حضور مردم مقبولیت و ایجاد حکومت دینی هم غیرممکن و هم غیرمحقق می‌باشد و ایشان تداوم حکومت بدون منافع دینی، دنیایی، معنوی و روحی مردم را غیرمشروع می‌انگارد. وی نقش مردم ایران در انقلاب اسلامی را -که مشابه آن را از صدر تاریخ انبیا تا به حال بی نظیر یا کم بدیل است- بسیار رکنی و اساسی می‌داند. وی به ویژه نقش زنان مسلمان در انقلاب اسلامی و تداوم آن اشاره می‌دارد که اصلاً پیش‌تاز این انقلاب خانم‌ها هستند. روز ۱۵ خرداد در قم آن کسانی که در ابتدا حرکت کردند و مردم را وادار به حرکت کردند، خانم‌ها بودند. زن در جامعه ما چنین موقعیتی دارد که می‌تواند اصلاً یک انقلاب بیافریند (کانال ای‌تا آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۲۵، ۰۵، ۱۴۰۲).



نمودار شماره ۳- مدل علی و مفهومی اندیشه انقلاب آیت‌الله مصباح

(منبع: محقق ساخته)

جدول شماره ۲- مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	دیدگاه آیت‌الله طالقانی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق	دیدگاه آیت‌الله مصباح
تعریف انقلاب	فاقد تعریف مشخص			تحوّل سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد؛ ^۱ تا زمانی که همه افراد جامعه یا اکثریت آنان منافع عضویت در جامعه خود را بیشتر از مضار آن بدانند، جامعه، «متعادل» و «متوازن» خواهد بود؛
تعریف انقلاب اسلامی	هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد، علیه استثمار در هر جای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است.	تعریف (ط ^۲) عموم خصوص من وجه از تعریف (مص ^۳)	(مص): تعریف خاص و با شمول و ابعاد جزئی‌تر (ط): تعریف کلی و تک عامله در جهت رفع استبداد	حرکتی بنیادین و تحولی اساسی؛ در اوضاع و احوال سیاسی جامعه؛ بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ به منظور جایگزین نمودن نظامی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی؛ ^۴
هدف انقلاب	اسلام به خصوص در سطح مذهب شیعه دو هدف مهم دارد: یکی از بین بردن حکومت شاه و دیگری آزادی دادن به مردم برای تعیین سرنوشتشان ... (از بین بردن استبداد و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش)	برای منافع مردم	(مص): نگاه ایجابی به استقرار حاکمیت الله (ط): نگاه سلبی به نفی حکومت طاغوت	استقرار حاکمیت الله و رشد مردم و زمینه‌سازی برای ظهور مبتنی بر نزاع دائمی حق و باطل
ماهیت انقلاب اسلامی ایران	انقلاب، انقلاب محرومین است. انقلاب، انقلاب توده مسلمان است. انقلاب، انقلاب پیروان قرآن، انقلاب، انقلاب پیروان توحید است.	هویت دینی، اسلامی و شیعی	(مص): برجستگی ماهیت فرهنگی (ط): برجستگی ماهیت جنگ فقر و غنا و استدادگر و استبداد زده	انقلابی الهی، فرهنگی و دینی

۱. تعریفی پیامدی است.

۲. به مثابه کد آیت‌الله طالقانی می‌باشد.

۳. به مثابه کد آیت‌الله مصباح یزدی می‌باشد.

۴. تعریفی ثمره‌ای است (پیامد بار منفی تا نزدیک به ختنی دارد ولی ثمره بار مثبت دارد و معمولاً با تسامح، معادل هم به‌کار برده می‌شود).

ادامه جدول شماره ۲- مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	دیدگاه آیت‌الله طالقانی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق	دیدگاه آیت‌الله مصباح
جایگاه مردم در انقلاب	این انقلاب، یک انقلاب همگانی است. این مردم بیشتر از همه ما حق رای و تصمیم گیری دارند. چرا که آنها خون داده اند. (نقش مردم به عنوان مهمترین عامل انقلاب/ توجه ویژه به عامل کارگزاری)	توجه به نقش اراده و کارگزار در برابر نگاه ساختاری	(طا): نقش محوری و ایجابی برای توده مسلمان (مص): مردم جزو اخیر از علت تامه و عامل نتیجه‌بخش انقلاب	حضور مردم عامل به وجود آورنده انقلاب‌ها و حکومت، در مقام عینیت و وقوع؛ مردم جزو اخیر از علت تامه و عامل نتیجه‌بخش انقلاب و حکومت اسلامی هستند،
مشروعیت حکومت	۴ سطح از حاکمیت: ۱. حاکمیت الله. ۲. حاکمیت قانون و نظامات. ۳. حاکمیت پیامبران و امامان. ۴. حاکمیت علمای عادل و مومن که اینجا نوبت به انتخاب و تعیین مردم می‌رسد.	اثبات حق حاکمیت و حکومت الله و پیامبران و اولی‌امر	(طا): برجستگی مفهوم مردم سالاری در مردم سالاری اسلامی (مص): برجستگی مفهوم اسلامی در مردم سالاری اسلامی	حق حکومت و حاکمیت را متعلق «الله و سلسله فرستادگانش»
جایگاه رهبر در انقلاب	رهبری انقلاب توسط توده مردم، رهبران انقلاب و امام خمینی (ره)	قائل به نقش رهبر و کارگزار پروژه ای دیدن انقلاب	(مص): شخص رهبر (نگاه خاص و متمایز از مردم به رهبر) (طا): نگاه عام به رهبر (نگاه توده وار به مسئله رهبری) و (پیوند مفهوم مردم و مفهوم رهبر در رهبری انقلاب)	بسیار برجسته، ذیل اندیشه‌های مکتب و برای هدایت مردم در جهت رضایت الله
جایگاه مکتب یا ایدئولوژی در انقلاب	اسلام به عنوان یک مکتب یا ایدئولوژی نقش محوری در انقلاب اسلامی دارد.	اسلام نقش محوری در تمام ابعاد انقلاب از تاسیس تا تکوین دارد.		کل حرکت رهبران و مردم بر اساس رهنمودهای الزامی و هنجاری مکتب است
عامل تمایز انقلاب اسلامی از دیگر انقلاب‌های جهان	عدم سهم خواهی رهبران از انقلاب و بی تمایلی به قدرت		(مص): نگاه فرهنگی (طا): نگاه عام و سیاسی	«اسلامی بودن» و برجستگی عنصر فرهنگی

ادامه جدول شماره ۲- مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	دیدگاه آیت‌الله طالقانی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق	دیدگاه آیت‌الله مصباح
تمایز انقلاب اسلامی با حاکمیت سابق	حکومت اسلامی و مردمی به جای حکومت طاغوت و استبداد	حکومت الهی به جای حکومت ظالم و مستبد		جایگزین شدن حکومت الهی مبتنی بر عدالت به جای حکومت مبتنی بر ظلم، خودمحوری، خودگزینی، قدرت‌طلبی
حکومت مطلوب	حکومتی ضد استبدادی و ضد استعماری حکومتی که در آن رای مردم و شورا به عنوان اصلی اسلامی برجسته است. پیش از انقلاب: تحدید استبداد (سلطنت مقید و مشروط) پس از انقلاب: (جمهوری اسلامی و شورا در همه شئون اجرایی)		(طا): تاکید بر عنصر ضد استبدادی و ضد استعماری حکومت (مص): تاکید بر عنصر اسلامیت حکومت	حکومتی که متولی استقرار اسلام باشد و اصراری بر مدل خاص ندارند و این امر را موکول به عقل سلیم بشری می‌داند. به نوعی همین جمهوری اسلامی
نتیجه و پیامد انقلاب	اصولا تمامی انقلابات برای باز کردن بندها بوده است. چه بندهای اجتماعی و چه بندهای اخلاقی (نفی استبداد و استعمار و استثمار و آزادی معنوی و سیاسی مردم)		(مص): هر مطلوب ممکن را را برای انقلاب اسلامی محرز می‌داند (طا): فرصتی برای ابراز نظر نیافت (رضوان الله‌علیه)	استقرار اسلامیت نظام، استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و اسلامی
اندیشه سیاسی در مواجهه با حکومت قبل از انقلاب	اصلاحی ^۱			انقلابی
علل نهادی و شبه ساختاری (ارادی غیرمستقیم)	انقلاب ما بر ضد استثمارگران و استعمارگران و طاغوت‌هاست. (استبداد داخلی، استعمار خارجی، استثمار)	فائل بودن به علل ساختار و شبه ساختاری	(طا): تمرکز بر تاثیر ساختار استثمارگر و استثمارشونده (مص): تمرکز تاثیر بر نهادهای اجتماعی	اهمیت نهادهای خانواده اقتصاد، آموزش و پرورش، حقوق و حکومت در تحلیل تحولات اجتماعی و انقلابات

۱. اصلاحی بودن به معنای اندیشه سیاسی ایشان است و ناظر به مواضع ضد استبدادی ایشان در حکومت طاغوت و رفتار سبعانه آن رژیم سفاک که موجب شکنجه و زندان طولی‌المدت ایشان شده است ندارد. (مستندات نزد مولف محفوظ است)

ادامه جدول شماره ۲- مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	دیدگاه آیت‌الله طالقانی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق	دیدگاه آیت‌الله مصباح
علل ارادی و کارگزاری	نارضایتی عمومی نقش مردم	نارضایتی عمومی	(مص): تاکید بر عوامل مختلف ذهنی، ارادی	نارضایتی عمومی از اوضاع و احوال موجود، ارزش‌ها و آرمان‌ها، بزرگان و افراد برجسته، آموزش و پرورش
فرایند انقلاب (پروژه/پروسه)	ایشان به مانند سایر اندیشمندان اسلامی نقش ویژه ای برای عاملیت و کارگزاری قائل است. پس انقلاب را به مثابه پروژه می‌بیند.	انقلاب به مثابه پروژه		انقلاب به مثابه پروژه در مقابل انقلاب به مثابه فقط پروسه انبیاء با دعوت به وحدت در جامعه قصد پروژه تحول داشته‌اند، حضور مردم ایران در انقلاب اسلامی و شکل‌گیری حکومت به مثابه اراده هماهنگ با انبیاء،
جایگاه تاریخی مردم و انبیاء در فرایند تحولات	به قاعده هرمینویوتیکی به عنوان مفسر قرآن نظر عدم همراهی اکثریت را مطلع بوده اند	نظر اکثریت قاطع مردم برخلاف نظر انبیا بوده است؛		نظر اکثریت قاطع مردم برخلاف نظر انبیا بوده است؛
نقش شورا	نقش برجسته و لزوم وجود شورا در امور اجرایی و تمام شئون جامعه به عنوان اصلی اسلامی	اصولی قرآنی است. در حدود نص و مربوط به امور اجرایی است.	(مص): ارزشمندی شورا (طا): وجوب شورا در تمام شئون جامعه	ارزشمندی و ریشه قرآنی شورا؛ حکم به عدم حجیت شورا در مقابل نص می‌دهد؛
آسیب انقلاب اسلامی	عدم تشکیل شورا استبداد دینی و غیر دینی استعمار خارجی	نفوذ خارجی	(طا): وجوب شورا و مردم‌سالاری اسلامی استبداد	نفوذ بیگانگان در نهادهای اقتصادی، تعلیم و تربیت، خانواده، فرهنگی، تربیت حکمرانی و نفوذ عوامل خارجی در ارکان نظام و نهادهای تصمیم‌ساز و سیاست‌سازی اقتصادی و فرهنگی؛
جایگاه فرهنگ نخبگان و عامه مردم	این مردم هستند که می‌بایست حاکم باشند ولاغیر. حکومت باید در خط و مشی مردم پیش برود. هیچ گزاره ای مبتنی بر اینکه نخبگان نقش ویژه و پیشتازی نسبت به عامه مردم در شکل‌گیری انقلاب دارند ملاحظه نشد.		(مص): نقش ویژه برای فرهنگ نخبگان (طا): عدم توجه خاص به نخبگان و توجه ویژه به توده مردم مسلمان	نخبگان عامل پیشتاز انقلاب نه عامه مردم، فرهنگ نخبگان زمینه‌ساز انقلاب

ادامه جدول شماره ۲- مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

دیدگاه آیت‌الله مصباح	نقاط افتراق	نقاط اشتراک	دیدگاه آیت‌الله طالقانی	مبدا مقایسه
مهمترین عامل در دوام و قوام یک حکومت یا ظهور یک انقلاب اسلامی، انقلابیان مسلمان هستند و نه عوام مردم؛ اکثر تحولات بزرگ مرهون اندیشه عالمان است	(مص): عاملیت خواص و تابعیت عوام (طا): بی توجهی کامل به نقش نخبگان		این انقلاب، یک انقلاب همگانی است. این مردم بیشتر از همه ما حق رای و تصمیم‌گیری دارند. چرا که آنها خون داده‌اند. این انقلاب به رهبری امام خمینی و ملت ایران بود.	جایگاه خواص و نخبگانی
عوامل طبیعی، عوامل خدادادی درون انسان‌ها و عامل وحی، اراده جزو اخیر از علت تامه تحولات اجتماعی است، احساس فقر، احساس ظلم، احساس از دست دادن حیثیت جهانی و احساس محرومیت از استکمالات معنوی و اخلاقی از عوامل مهم ایجاد بحران در جوامع به شمار می‌روند			بدون اظهار نظر مشخص	بحرانهای ماقبل انقلاب و عوامل وقوع انقلاب
ابعاد فرهنگی، انتخاب آگاهانه، تلاش در تحکیم عقاید حقه، تبیین دقیق اهداف، فراگیری انقلاب، عدم اتکا به بیگانگان، ثبات قوانین و مقررات، رعایت مصالح متغیر، برخورداری حاکمیت از پشتوانه ثابت، بهره‌مندی از امدادهای غیبی،			بدون اظهار نظر مشخص	مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر
رویدادهای طبیعی و جنگ و غایبات بالعرض افعال انسان‌ها، اختراع، تراوش و پخش رشد علم و فن، عوامل جمعیتی، جمعیت نامتجانس، تعارض و بی‌سازمانی اجتماعی			بدون اظهار نظر مشخص	علل ارادی غیرمستقیم
درون‌زا، (انفسی یا سوپزکتیو) برون‌زا (رویدادهای طبیعی، جنگ، فتح، غلبه، تماس فرهنگی و تراوش)			بدون اظهار نظر مشخص	ماهیت عوامل انقلاب (عینی و ذهنی)
رویدادهای طبیعی و جنگ و غایبات بالعرض افعال انسان‌ها، اختراع، تراوش و پخش رشد علم و فن، عوامل جمعیتی، جمعیت نامتجانس، تعارض و بی‌سازمانی اجتماعی			بدون اظهار نظر مشخص	علل ارادی غیرمستقیم

ادامه جدول شماره ۲- مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	دیدگاه آیت‌الله طالقانی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق	دیدگاه آیت‌الله مصباح
عوامل ارادی شکل گیری انقلاب اسلامی	بدون اظهار نظر مشخص			نگیزه، شناخت خوب از بد و کنترل غرائز و هوس‌ها عوامل معنوی، اخلاقی نظیر صبر، مقاومت، تقوا و تعهد
اندازه عوامل معنوی و اخلاقی	بدون اظهار نظر مشخص			تنها برای نخبگان دستیابی به سطح بالایی از فضایل و ویژگی‌های اخلاقی ضرورت دارد، لازم نیست همه انسانها در سطح عالی از خصائص مطلوب الهی باشند؛
رابطه امداد غیبی و افعال اختیاری	بدون اظهار نظر مشخص			امداد غیبی مشروط به افعال اختیاری انسان و حضور عنصر ایمان؛
جایگاه وحدت و اختیار	بدون اظهار نظر مشخص			اهمیت وحدت به مثابه ارزش واسطه نه ارزش نهایی و غایی، وحدتی ارزشمند و مقدس است که در حول یک هدف متعالی و مقدس بر مبنای تقوا بنا نهاده شده باشد؛ اختیار لازمه هر حرکت معنوی و هر نوع انقلاب و تحولی؛
عوامل امنیت‌ساز انقلاب اسلامی	بدون اظهار نظر مشخص			آمادگی نظامی، جهاد و ایمان و عدم سستی و وادادگی، تحمل امتحانات الهی، پاسداری از آرمان‌های اسلامی، مبارزه با انحرافات و اهمیت نقش و وظیفه نخبگان اهل علم تالیف قلوب، وحدت و دینداری و دین عامل وحدت نه منافع و مادیات مردم؛
نقد نظریات انقلاب	بدون اظهار نظر مشخص			عدم کفایت تبیین نظریه‌های موجود؛

(منبع: محقق ساخته)

نتیجه‌گیری

در این مقاله با مطالعه آثار مکتوب آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح‌یزدی و تشکیل جدول مقایسه‌ای و اخذ نقاط مشترک و متمایز با بهره‌گیری از مبانی روش کیفی تحلیل تم به منظور پاسخ به این سوال که «نظرگاه‌های آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح‌یزدی در خصوص انقلاب و انقلاب

اسلامی ایران چیست» اقدام به مقایسه دیدگاه‌های صاحب‌نظران صدرالاشاره در خصوص انقلاب و انقلاب اسلامی ایران شد و مالا به نتایج ذیل نایل شد. به منظور جلوگیری از اطاله نوشتاری و با لحاظ هدف و منظور از ساخت دستگاهی که نشان‌دهنده نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح در خصوص انقلاب (اسلامی) بوده است، جدول متمرکز و متجانس ذیل به مثابه نتیجه‌گیری تقدیم می‌شود:

جدول شماره ۳- تلخیص متمرکز و متجانس مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	نقاط اشتراک	نقاط افتراق
تعریف انقلاب	آیت‌الله طالقانی: فاقد ارائه تعریف	آیت‌الله مصباح یزدی: دارای تعریف خاص و با شمول و ابعاد جزئی
تعریف انقلاب اسلامی	تعریف آیت‌الله طالقانی عموم خصوص من وجه از تعریف آیت‌الله مصباح یزدی	آیت‌الله مصباح یزدی: تعریف خاص و با شمول و ابعاد جزئی تر آیت‌الله طالقانی: تعریف کلی و تک عامله در جهت رفع استبداد
هدف انقلاب	تامین منافع مردم	آیت‌الله مصباح یزدی: نگاه ایجابی به استقرار حاکمیت الله آیت‌الله طالقانی: نگاه سلبی به نفی حکومت طاغوت
ماهیت انقلاب اسلامی ایران	هویت دینی، اسلامی و شیعی	آیت‌الله مصباح یزدی: برجستگی ماهیت فرهنگی آیت‌الله طالقانی: برجستگی ماهیت جنگ فقر و غنا و استادگر و استبداد زده
جایگاه مردم در انقلاب	توجه به نقش اراده و کارگزار در برابر نگاه ساختاری	آیت‌الله طالقانی: نقش محوری و ایجابی برای توده مسلمان آیت‌الله مصباح یزدی: مردم جزو اخیر از علت تامه و عامل نتیجه‌بخش انقلاب
مشروعیت حکومت	اثبات حق حاکمیت و حکومت الله و پیامبران و اولی‌امر	آیت‌الله طالقانی: برجستگی مفهوم مردم سالاری در مردم آیت‌الله مصباح یزدی: برجستگی مفهوم اسلامی در مردم سالاری اسلامی
جایگاه رهبر در انقلاب	قائل به نقش رهبر و کارگزار و پروژه ای دیدن انقلاب	آیت‌الله مصباح یزدی: شخص رهبر (نگاه خاص و متمایز از مردم به رهبر) آیت‌الله طالقانی: نگاه عام به رهبر (نگاه توده وار به مسئله رهبری) و (پیوند مفهوم مردم و مفهوم رهبر در رهبری انقلاب)
جایگاه مکتب یا ایدئولوژی در انقلاب	اسلام نقش محوری در تمام ابعاد انقلاب از تاسیس تا تکوین دارد.	

ادامه جدول شماره ۳- تلخیص متمرکز و متجانب مقایسه دیدگاه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصباح

مبدا مقایسه	نقاط اشتراک	نقاط افتراق
عامل تمایز انقلاب اسلامی از دیگر انقلابهای جهان	تاکید بیشتر بر ابعاد ارادی موثر بر انقلاب	آیت‌الله مصباح یزدی: نگاه فرهنگی آیت‌الله طالقانی: نگاه عام و سیاسی
تمایز انقلاب اسلامی با حاکمیت سابق	حکومت الهی به جای حکومت ظالم و مستبد	تمایز ماهوی زیادی در نظرگاه کلی آنها وجود ندارد
حکومت مطلوب	نوعی مردمسالاری با تعریف خاص خود	آیت‌الله طالقانی: تاکید بر عنصر ضد استبدادی و ضد استعماری حکومت آیت‌الله مصباح یزدی: تاکید بر عنصر اسلامیت حکومت
نتیجه و پیامد انقلاب		آیت‌الله مصباح یزدی: هر مطلوب ممکن را برای انقلاب اسلامی محرز می‌داند آیت‌الله طالقانی: فرصتی برای ابراز نظر نیافت (رضوان الله علیه)
علل نهادی و شبه ساختاری (ارادی غیرمستقیم) وقوع انقلاب	قائل بودن به علل ساختار و شبه ساختاری	آیت‌الله طالقانی: تمرکز بر تاثیر ساختار استثمارگر و استثمارشونده آیت‌الله مصباح یزدی: تمرکز تاثیر بر نهادهای اجتماعی
علل ارادی و کارگزاری وقوع انقلاب	نارضایتی عمومی	آیت‌الله مصباح یزدی: تاکید بر عوامل مختلف ذهنی، ارادی
فرایند انقلاب (پروژ/پروسه)	انقلاب به مثابه پروژه	
جایگاه تاریخی مردم و انبیاء در فرایند تحولات	نظر اکثریت قاطع مردم برخلاف نظر انبیا بوده است؛	آیت‌الله طالقانی: اصراری بر تشریح این موضوع ندارد
نقش شورا	اصلی قرآنی است. در حدود نص و مربوط به امور اجرایی است.	آیت‌الله مصباح یزدی: ارزشمندی شورا آیت‌الله طالقانی: وجوب شورا در تمام شئون جامعه (اعمال در همه یا اغلب منطبقه الفراع فقهی)
آسیب انقلاب اسلامی	نفوذ خارجی	آیت‌الله طالقانی: ترک شورا و مردم‌سالاری اسلامی و استبداد
جایگاه فرهنگ نخبگان و عامه مردم		آیت‌الله مصباح یزدی: نقش بسیار ویژه برای فرهنگ نخبگان آیت‌الله طالقانی: عدم توجه خاص به نخبگان و توجه ویژه به توده مردم مسلمان
جایگاه خواص و نخبگانی		آیت‌الله مصباح یزدی: عاملیت خواص و تابعیت عوام آیت‌الله طالقانی: بی توجهی کامل به نقش نخبگان

(منبع: محقق ساخته)

منابع

الف - منابع فارسی

- افراسیابی، بهرام (۱۳۶۰) *طالقانی و تاریخ*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- بسته نگار، محمد (۱۳۹۳) *رساله ای در باب حکومت؛ طالقانی؛ نظریه پرداز دموکراسی شورایی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: صمدیه.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۶) *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*، تهران: نشر صفار.
- دانایی فرد، حسن؛ امامی، مجتبی (۱۳۸۶) «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، *اندیشه مدیریت*، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۶۹ - ۷۶.
- شیرخانی، علی (۱۳۷۷) *زندگی و اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی*، نشریه علوم سیاسی؛ شماره ۲، صص ۲۰۸ - ۲۴۱.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۰) *نظام شورایی در اندیشه آیت‌الله طالقانی*، *فصلنامه علوم سیاسی*؛ شماره ۱۴، صص ۲۲۱ - ۲۴۲.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۸ الف) *پرتوی از قرآن*، جلد ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۸ ب) *مجموعه گفتار پدر طالقانی: با قرآن در صحنه*، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۹ الف) *از آزادی تا شهادت*، تهران: انتشارات ابوذر.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۹ ب) *طرح نظام جمهوری اسلامی*، تهران: ناس.

- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰) به یاد/بگذر زمان، مشهد: جهاد دانشگاهی، مرکز خراسان.
- طالقانی، سید محمود (بی تا) پرتوی از قرآن، جلد ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ موسوی، سید ابوالفضل؛ مطهری، مرتضی و سایر همکاران (۱۳۴۱) بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت انتشار.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، تهران: دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- فیرحی، داوود (۱۴۰۰) فقه و سیاست در ایران معاصر، جلد دوم. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
- مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵) پرسشها و پاسخها درباره نظام سیاسی اسلام - پاسخ به جوانان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمد تقی؛ شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۲) انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمد تقی؛ شبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۴) انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمد تقی؛ شهبابی، شهید محمد (۱۳۷۹ الف) حقوق و سیاست در قرآن (ج ۱)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ نادری، محمد مهدی (۱۳۷۹) *کاوش‌ها و چالش‌ها*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۲). *تعامل دین و دموکراسی در اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی؛ پژوهشنامه متین*، شماره ۲۱، صص ۱۲۹-۱۷۲.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۹) *زندگینامه سیاسی آیت‌الله طالقانی*، تهران: نشر نی.
- نایینی، محمد حسین (۱۳۷۸). *تنبیه الامة و تنزیه المله، با توضیحات و مقدمه سیدمحمود طالقانی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب- منابع اینترنتی

- کانال و سایت رسمی [@mesbahyazdi_ir](mailto:mesbahyazdi_ir) ای‌تا، متعلق به دفتر مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی ۱۹ آبان ۱۴۰۱.